

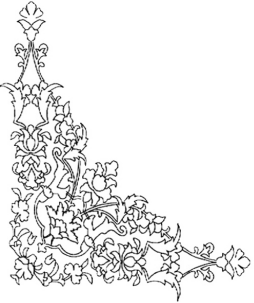
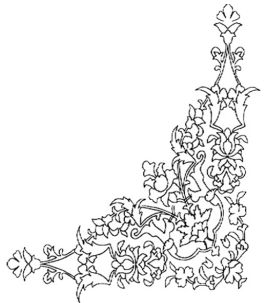
مجموعہ دستور العمل ہا و سانسہ ہا

(قسمت دوم)

حضرت آقائے حاج و کتر نور علی تاباندہ (محبوب علیشاہ)

پہل و سوم

بھار ۱۳۸۹



فهرست

مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت دوم)

صفحه

عنوان

- یادآوری نکاتی به فقرا ۵
- نکاتی در خصوص محل مجلس فقری و نحوه‌ی اداره‌ی آن ۸
- در خصوص برخی از اسرار فاجعه‌ی کربلا و نهضت حسینی ۹
به مناسبت اتمام ماه صفر، آمدن بهار و عید نوروز، دعوت به اتحاد
مسلمانان و احسان نسبت به خشونت‌ورزان پس از تخریب
حسینیّه شریعت در قم و ضرب و شتم فقرا ۱۹
به مناسبت عید نوروز باستانی ۱۳۸۶ ه. ش. و تقارن آن با اوّل
ربیع‌الاول، ماه ولادت پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق ﷺ و
- یادآوری نکات فقری و اجتماعی به فقرا ۲۶
- بیانیه به مناسبت تخریب حسینیّه بروجرد ۳۵
پیام به مناسبت عید سعید نوروز ۱۳۸۷ ه. ش. و تقارن آن با ایّام
- میلاد مسعود پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق ﷺ ۳۷
- تذکراتی درباره‌ی برگزاری مجالس فقری و نحوه‌ی تغییر در آن ۴۵

پیام به مناسبت عید سعید نوروز ۱۳۸۸ هـ . ش. ۴۶

پیام به مناسبت سالگرد روز درویش (سوّم اسفند)..... ۵۶

پیام به مناسبت عید سعید نوروز باستانی ۱۳۸۹ هـ . ش..... ۵۸

در پاسخ به جناب آقای حاج شمس‌الدین حایری (ارشادعلی)..... ۷۰

پیام در خصوص حرمت اعتیاد به مواد مخدر و توزیع و فروش آن ۷۳

یادآوری‌هایی به زوّار مزار متبرک سلطانی بیدخت..... ۷۶

فهرست جزوات قبل..... ۸۱

* با توجه به آنکه پاسخ نامه‌ها و سؤالات فقرا را عموماً در جلسات فقری بیان می‌فرمایند و امکان پاسخ جداگانه به تک‌تک نامه‌ها و سؤالات نمی‌باشد، لطفاً مطالب این جزوات را قبل از طرح سؤال به دقت مطالعه بفرمایید.

* خواهشمند است به منظور دسترسی هر چه بیشتر علاقه‌مندان بخصوص فقرا و سایر مؤمنین به مطالب این جزوه، در صورتیکه بیشتر از یک جلد موجود دارید، لطف نموده به سایرین هدیه نمایید.

* با توجه به آنکه سفارشات درخواستی مشترکین، در کوتاه‌ترین زمان ممکن تقدیم خواهد شد، به جای تکثیر این جزوه، جهت اعلام سفارش و آشنایی با نحوه اشتراک با شماره ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ تماس حاصل فرمایید.

* متن بیانات را می‌توانید در سایت اینترنتی WWW.JOZVEH121.COM نیز مطالعه بفرمایید.

یادآوری نکاتی به فقرا^۱

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاخْلُقْ عُقَدَةً مِنْ لِسَانِي
يَفْقَهُوا قَوْلِي^۲

میان گریه می‌خندم که چون شمع اندر این مجلس

زبان آتشینم هست لیکن در نمی‌گیرد

به عرض برادران ایمانی می‌رساند، مطالبی که ذیلاً یادآوری می‌شود و غالباً تکراری است، امید است مورد توجه همگان قرار بگیرد، گرچه بعضی مطالب آن در رابطه با برادران مقیم خارج از وطن است.

۱- مجلس فقری در شب‌های جمعه و دوشنبه است که با ادای فریضه‌ی الهی شروع و یا ختم می‌گردد. در مجلس فقری و بلکه در مجالس فقرا ولو تمام حاضرین محارم شرعی باشند، ولی جدا نشستن برادران و خواهران الزامی است. و به هر جهت رعایت حجاب شرعی و همچنین رفتار متین ضرورت دارد.

۲- میزبان بودن در مجالس به منزله‌ی خدمت به برادران است نه سروری بر آنها، و در آن لحظات کوتاه، آن میزبان، صاحب منزل

۱. تاریخ رمضان المبارک ۱۴۲۶ ه. ق. برابر با مهرماه ۱۳۸۴ ه. ش.

۲. سوره طه، آیات ۲۸-۲۵.

تلقی نمی‌شود بلکه منزل محلّ مجلس در واقع تعلق به مولا دارد. سلوک و رفتار میزبان اگر مورد پسند مولا باشد این میزبانی را به تاج افتخار می‌آراید.

۳- چنانچه بعضی مقتضیّات موجب گردد که مجالس به صورت دوره‌ای برقرار شود، حضور در همه‌ی آن مجالس ضروری است و در آن ساعات نباید فقرا جلسات دیگری منعقد نمایند. مجلس فقری همان است که دستور داده شده است. دوره‌ای کردن مجلس؛ موقتی و بنابر مقتضیّات است، دلیلی بر قُصور یا تقصیر نیست.

۴- متأسفانه دشمنان فقر و عرفان، عناد و دشمنی دیرین خود را به انواع مختلف ظاهر می‌سازند. تفرقه و اختلاف، ظنّ و گمان بد، ظنّ و گمان خود را قاطعاً و واقعاً یقین دانستن و... از ترفندهای دشمن است. فقرا به خصوص در جلای وطن باید مصداق: **كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُومٌ^۱** باشند.

۵- برحسب وصیّت مولانا حضرت محبوب‌علیشاه، خانواده‌ی ایشان برای تحصیل فرزندان‌شان ساکن کانادا شدند. بحمدالله رضایت حضرت محبوب را توانسته‌اند کسب و حفظ نمایند و سرپرستی آنان نیز مورد تأیید و رضایت و شادمانی حقیر می‌باشد. سلامت و توفیقات آنان را خواستارم.

مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها (قسمت دوم) / ۷

۶- در کُن آلمان، مجالس شب دوشنبه دوره‌ای خواهد بود تا دستور دیگری برسد.

۷- مشایخ بزرگوار هرکدام سبک و سلیقه‌ای منطبق با مرحله‌ی سلوک خویش دارند و لذا سایر سالکین برحسب سلوک خویش، یکی از روش‌ها را می‌پسندند و این پسند هرگز مایه و دلیل اختلاف نیست و نباید باشد. اگر خدای نکرده بدون این توجه بعضی تفاوت‌ها را مایه‌ی اختلاف قرار نهند، دو گناه دارند. بدیهی است، خود آقایان مشایخ تاکنون توجه کرده‌اند و نگذاشته‌اند چنین خطایی عظمت پیدا کند و امیدوارم و به فقرا توصیه می‌کنم که از اختلاف بپرهیزند.

بنده کمترین؛ نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)

نکاتی در خصوص محل مجلس فقری و نحوه‌ی اداره‌ی آن^۱

- ۱- مجالس به هیچ وجه نباید در محل اجاره‌ای باشد. اگر هیچیک از فقرا امکان قبول این افتخار را نداشت، مجلس برگزار نمی‌شود و یا تعطیل می‌گردد.
- ۲- در مجالس، پندصالح قرائت شود، و نوار فقط منتسب به اقطاب گذارده شود. نوار آقایان مشایخ گرامی را در مجالس خصوصی غیر از دو شب فقری می‌توان گذاشت. والسلام.

۱. تاریخ رمضان ۱۴۲۶ ه. ق. برابر با مهرماه ۱۳۸۴ ه. ش.

در خصوص برخی از اسرار فاجعه‌ی کربلا و نهضت حسینی^۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ

حلول ماه محرم الحرام، یادآور قیام حضرت سیدالشهدا ﷺ و اصحاب با بصیرت و با وفایش می‌باشد و عاشورای امام حسین ﷺ آینه صاف و تمام‌نمایی است که با توجه و نگاه دقیق در آن می‌توان جمال نورانی قرآن و سیمای زیبای اسلام را در آن مشاهده نمود و حکمت آنکه امامان بزرگوار ما ﷺ در برپایی مجالس سوگواری جدّ امجد خود جدّیت داشته و پیروان را به آن توصیه می‌فرمودند، بیشتر آن است که با توجه به این امر که در اسلام عزاداری نداریم، اما شیعه در سایه برگزاری مراسم سوگواری با تعلیمات نورانی و آرمان‌های الهی آن نهضت که در تاریخ بشریت نظیر ندارد و ادامه آن توسط بانوی بزرگوار اسلام حضرت زینب ﷺ و ائمه معصومین ﷺ آشنا شده و آگاه شود که چه خون‌هایی برای نگهبانی و احیای دین و کتاب قرآن بر زمین ریخته شده است، گوهر تابناک این هدف مقدّس را در تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی خود، تابنده سازیم.

در فرا رسیدن این ماه توصیه‌هایی که مخصوصاً در دوران

۱. تاریخ اول محرم ۱۴۲۷ ه. ق. برابر با ۱۱/۱۱/۱۳۸۴ ه. ش.

معاصر با توجه به اوضاع جهان اسلام بیشتر ضرورت دارد به فقرای سلسله جلیله نعمت‌اللہی گنابادی وَفَّقَهُمُ اللهُ می‌نمایم و امیدوارم این نکات را که از قلبی سرچشمه گرفته که برای اعلاى اسلام راستین و ایران عزیز که پرچم‌دار تشیع است، می‌تپد و از صمیم قلب خواستار ترقی و تعالی صوری و معنوی آنان است، با جان و دل پذیرفته و اجرا نمایند و موجبات خشنودی خدا و اولیایش را که خیر دنیا و آخرت در آن است فراهم آورند:

۱- به برکت عاشورای امام حسین و زحمات ائمه علیهم‌السلام، تداوم هدایت بشر حاصل گردیده و سربلندی و پیشرفت‌های مادی و معنوی انسان‌ها مخصوصاً شیعیان در پرتو نور درخشان گفتار و رفتار امامان می‌باشد بنابراین فقرا که محبت و ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام را در دل و افتخار پیروی از آنان را در عقیده و گفتار و رفتار دارند باید در کسب فضیلت و عشق و عرفان و آگاهی از راه و روش حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و اصحاب بزرگوارش تلاش نمایند. و با توجه به مفاد این پیام مهم که **كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَكُلُّ اَرْضٍ كَرْبَلَا**، ندای پیشوای نهضت را که فرمود: **هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي رَا بَهْ** گوش تمام جهانیان الی‌الابد رساند و به همه فهمناید که اگر حسرت حضور در رکاب آن حضرت را خالصانه دارید، این ندا را بشنوید و پاسخ دهید و پاسخ مثبت عملی به این ندا، آن است که رویه و سنت آن حضرت را پاس بداریم.

۲- عاشورای امام حسین علیه السلام درس‌ها و پیام‌های فراوانی دارد که روح و باطن همه آنها موضوع ولایت و رهبری اولیای حق است که از اساسی‌ترین ارکان دین می‌باشد و آن هدیه‌ای است الهی و ودیعه‌ای آسمانی، حیف و دریغ است که با گفتار و رفتار مغایر با این هدف مقدّس، آن را بِتَمَنٍ بِحَسِّ دَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ^۱ و ناچیز فروخته و در نتیجه در خط کسانی قرار گیریم که به طمع مُلک ری خون فرزند پیامبر اکرم علیه السلام و یاران عزیزش را بر زمین ریختند و جز ننگ و رسوایی چیزی عاید آنها نشد.

۳- برگزاری مجالس سوگواری باید از هرگونه پیرایه‌های ناشایست و آنچه موجب اهانت به ساحت مقدّس اهل بیت علیهم السلام و سستی مقدّسات در انظار بیگانگان و دشمنان اسلام است، منزّه بوده بلکه بیشتر به تبیین مواضع حقیقی این قیام مقدّس پرداخته شود.

۴- از جمله حقوق و انتظاراتی که اباعبدالله علیه السلام و همه اولیای الهی از پیروان و شیعیان خود دارند، الگوپذیری از آنان است که خداوند نیز در قرآن به آن امر فرموده است لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ^۲، توصیه شده است پس با شناخت راه و روش آنان که باید در سوگواری هدف اصلی باشد، دو نهال محبّت و معرفت، شیعیان آن بزرگواران را از

۱. سوره یوسف، آیه ۲۰.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱.

حالت خامی درآورده و به پختگی و کمال می‌رساند.

۵- محبت، انسان را به قلّه رفیع عرفان واصل، و تسلیم و اطاعت از اولیای دین را که جلوه‌های ربانی آن درخت پرثمر هستند در سالک، بارور می‌سازد.

۶- رفتارهای حاکی از محبت به بزرگان بیانگر درجه خلوص نیت و صداقت هر شخص مدّعی تشیع و فقر است و از جلوه‌های این محبت، احترام و ادب به دوستان و عاشقان امام حسین علیه السلام و همه اهل بیت علیهم السلام و ادای ادب به ساحت مقدّس مکان‌ها و حسینیه‌هایی است که به یاد و نام آن حضرت و برای اقامه سوگواری ساخته شده است پس هرگونه هتک حرمت نسبت به دوستان و ارادتمندان آن بزرگوار یا مکان‌های منتسب به آنان نشانه کذب و ریاکاری خواهد بود.

۷- درس‌های ایثار و فداکاری و مقاوت و صبر، معارفی علمی و عملی هستند که در قیام امام حسین برای ارادتمندانش وجود دارد.

۸- یکی از راز و رمزهای پیروزی امام حسین در این بود که یارانی باوفا، متحد، منسجم و با یک هدف و عاشق داشت. بر هر کدام از فقرا لازم است که برای نیل به این پیروزی از هرگونه کدورت و اختلاف پرهیز نموده و وحدت و اتحاد با یکدیگر را در همه ابعاد عنایت داشته باشند.

۹- یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که فرهنگ یک مکتب و

جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد شکسته شدن حریم‌ها است، شکستن حریم‌ها، بدعت در احکام دین، نقض دستورات پیامبر، دستور به سبّ و لعن حضرت علی علیه السلام نمونه بارز این حریم‌شکنی است. اگر بخواهیم دچار سرنوشت آنان نشده و راه سعادت و نجات را بییماییم از شکستن حریم اولیای خدا خودداری نماییم.

۱۰- احساس مسئولیت و واکنش در قبال سرنوشت جامعه که همان امر به معروف و نهی از منکر و از اهداف قیام امام حسین علیه السلام بود را به اندازه‌ی رعایت مسئولیت خود، فراموش نکنیم و از یاد نبریم که هر گروه و جامعه‌ای که منافع و سلیقه‌های شخصی را بر منافع جمعی و مصلحت‌های عمومی ترجیح دهد محکوم به انحطاط و سقوط می‌باشد.

۱۱- قیام حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام و یارانش در دورانی واقع شد که گروهی دلبسته به جاه و مقام، زندگی حیوانی را بر حیات انسانی ترجیح داده و دچار عوام‌زدگی و غفلت شدند:

چون که ظاهرها گرفتند احمقان

و آن دقایق شد از ایشان بس نهران

دو عنصر آگاهی و پایداری را باید از واقعه کربلا در هر زمانی آموخت.

۱۲- قیام و جهاد پرشکوه حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام پیوند

قطعی و جدایی ناپذیر با ظهور و قیام حضرت قائم آل محمد علیه السلام دارد. اعمال ما موجب محرومیت ما از فیض دسترسی به آن حضرت گردیده است. گرچه او هادی و حافظ ما و بینای بر اعمال ما است، به موجب کَلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَكُلُّ اَرْضٍ كَرَبَلًا باید ندای مَنْ اُنْصَارِي اِلَى اللّٰهِ بزرگان را از جان و دل شنیده و با تصحیح در اقوال و افعال خود زمینه‌های ظهور آن حضرت را که احیاکننده اهداف جدّ بزرگوارش می‌باشد، فراهم نماییم. به مضمون حدیث امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: فَأَخِيُوا اَمْرًا رَحِمَ اللّٰهُ مِنْ اَحْيَا اَمْرًا، دین مقدّس اسلام و مذهب حقّه تشیّع دارای احکام جامع و کاملی است که اگر توسط عالمان دین و عارفان راه یقین به مردم برسد و تعالیم نورانی آن اجرا گردد، موجب پیشرفت در تمام زمینه‌های مادی و معنوی انسان در هر زمان گردیده و تمدّن حقیقی و تمدّن واقعی را دربر خواهد داشت. اسلام دارای شریعت و طریقت بوده و در پرتو نور درخشان قرآن و عترت که دو یادگار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین امت است می‌توان بر ظلمات درونی و موانع بیرونی غالب گردید. در زمان غیبت امام زمان علیه السلام نیز این دو رشته علمای شریعت و عارفان طریقت پیوسته وجود داشته و دارد و همانطور که در کتب عرفا از جمله در رساله شریفه پندصالح - تألیف پدر جسمانی و روحانی فقیر که دستورالعمل فقرای این سلسله و جامع تمام احکام قالبیه و قلبیه و خلاصه تمام وظایف

سالکین الی‌الله است - آمده، این دو سلسله را مانند دو دست یک شخص و دو شعبه یک اداره و علما را پیشوایان مسلمین و نمایندگان بزرگان در ذکر احکام و عرفا را مجازین درایت و مامورین اصلاح نفوس و تهذیب اخلاق معرفی فرموده است. و این اتحاد و یگانگی مایه اصلی ترویج دین مبین اسلام و تحکیم قواعد حضرت سَيِّدُ الْأَنْبَاءِ ﷺ و مانع از نفوذ و اجرای اعمال دشمنان دین و ملت می‌باشد. فقیر نیز به پیروی از اسلاف بزرگوار و اقطاب این سلسله جلیله، هم در گذشته و هم در حال حاضر با آقایان علما در تماس و ارتباط بوده و نهایت محبت فیما بین برقرار است.

در این زمان که دشمنان فریب‌خورده اسلام و ایران سعی در مخدوش نمودن چهره زیبای اسلام و تشییع حقیقی دارند و آن را در جهان دین ترور و خشونت، و ایران عزیز را کشوری بی‌قانون معرفی می‌نمایند و توجه ندارند که در صدر اسلام، علی ﷺ که ولی‌الله و خلیفه بلافصل و وصی رسول‌الله و از هر کس برای اسلام دلسوزتر و به اوضاع عالم آگاه‌تر بود با کشتن عثمان مخالف بود و حتی فرزند بزرگوار خود را که یادگار رسول خدا بود، مأمور حفاظت از او نمود و نیز فرمود که خلیفه‌کشی باب می‌شود و دیدیم که خلفای بعدی و حتی خود علی ﷺ و امام حسن مجتبی ﷺ هدف ترور قرار گرفتند، امروز این اتحاد و وحدت مسلمین از هر زمان دیگر اهمیت بیشتر داشته بلکه از

اهمّ واجبات می‌باشد؛ فقیر به این مسئولیت خطیر کاملاً واقف و آگاه بوده و نگرانی از عواقب سوء این جریان ضداسلام و ایران، خاطر مرا مشغول نموده است و براساس حدیث شریف پیامبر: قَصَمَ ظَهْرِي رَجُلَانِ عَالِمٍ مُتَهْتِكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ، ملاحظه می‌شود که طبق واقع‌بینی آن حضرت، این دو گروه در طول تاریخ اسلام مخصوصاً در زمان حاضر بیش از هر چیز دین و مقدّسات مذهبی و ملت ایران را تهدید می‌نماید.

لذا علاقه دارم به تأسی از اسلاف بزرگوارم و با توجّه به مسئولیت خدمت به فقر و فقرا که برعهده دارم با بسیاری از مراجع و علما در مسائل مهم دینی و ملی مذاکره و تبادل نظر و معاشرت داشته باشم ولی چون به واسطه رسیدگی به امور فقرا و اشتغالات زیاد و پاسخ به مکاتبات و گاهی کسالت و ضعف جسمانی و وقت کم آن هم بخصوص در غیر تهران اجرای این مهم بطور کامل و دلخواه میسر نیست، لذا به برادر مکرم آقای حسینعلی کاشانی بیدختی زید توفیقاته که از ارادتمندان به علما و روحانیون بوده و دارای اجازات کتبی و شفاهی از مراجع عظام می‌باشند و پیوسته خدمت آقایان می‌رسند، مأموریت دادم که این خدمت مهم را بپذیرند و در تهران و شهرستان‌ها که مسافرت می‌نمایند علمایی که مصداق روایت مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ هستند را

ملاقات نموده و سلام فقیر را ابلاغ نمایند و این موضوع مهم را به استحضار علمای ربانی و دلسوز دین و ملت عزیز ایران برسانند که اگرچه شیاطین انسی به مصداق آیه شریفه **أَعْمَاهُمْ كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ**^۱ بوده و خداوند براساس **وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ**^۲، نقشه‌های شوم آنها را نقش بر آب و به حکم **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ**^۳، حمایت و حفظ از قرآن و اولیای خود را تضمین فرموده است، ولی وظیفه ما نقض نمی‌گردد و به منطوق: **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ**، موظف به بیداری و آگاهی دیگران هستیم.

و چون سوء تفاهات و شبهاتی توسط بعضی از جاهلین یا مغرضین و معاندین با حق و حقیقت درباره تصوف حقیقی که همان تشیع واقعی و صراط مستقیم ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است، در اذهان ایجاد گردیده است، آقای کاشانی بیدختی در ملاقات با آقایان علما و روحانیون و پژوهشگران و جویندگان حقیقت، در جهت رفع این شبهات سعی نموده و چنانچه سؤالاتی بود همانطور که قبلا اجازه داشتند پاسخ داده و مطالب مذهبی و عرفانی را توضیح دهند و سعی نمایند که با توجه به آیه شریفه: **ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ**

۱. سوره نور، آیه ۳۹.
۲. سوره آل عمران، آیه ۵۴.
۳. سوره حجر، آیه ۹.

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ^۱ و با قول لَين و دليل روشن، رفع شبهه و راهنمایی نموده و در ايجاد وحدت و تنوير افکار و خدمت به بندگان خدا از هرگونه ايشار و فداکاری خودداری ننمایند. از درگاه خداوند متعال از ديداد توفیقات ايشان را مسألت می‌نمایم.

بحمدالله اکثر قریب به اتفاق فقرا، برادران و خواهران ایمانی به وظایف شریعتی و طریقتی خود رفتار می‌کنند و دلبستگی و اُنس خود را به عظمت پرچم فقر (اسلام واقعی) معمول می‌دارند که از این جهت به همه آنان سلام عرض کرده و تشکر دارم و ملتمس دعا هستم.

فقیر، حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)

به مناسبت اتمام ماه صفر، آمدن بهار و عید نوروز

دعوت به اتحاد مسلمانان و احسان نسبت به خشونت‌ورزان

پس از تخریب حسینیه شریعت در قم و ضرب و شتم فقرا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماه صفر سال ۱۴۲۷ قمری سپری شد و بهار و نوروز آمد. انشاءالله بشارتی را که، صحیح یا سقیم، منسوب به حضرت رسول اکرم ﷺ برای خبر یافتن از اتمام ماه صفر به مسلمانان وعده داده بودند مشمول حال ما گردد. در ماه‌های محرم و صفر این سال ما همه سوگوار بودیم. سوگواری از ستمی که بر حضرت اباعبدالله الحسین ﷺ و شیعیان شد و حسینیه حسینی در مکان و شهر اهل‌بیت به آتش کشیده شد و آن حضرت و شیعیانش ملاک کلی تشخیص حق از باطل در همه زمان‌ها و مکان‌ها گردیدند. خداوند ما را در این سوگواری مأجور بفرماید. در ماه‌های اخیر متأسفانه به سبب حوادث واقعه برای فقرای این سلسله، سؤالاتی از دور و نزدیک مطرح گردید که موجب

شد به صورت کلی موارد ذیل را در چند بند عرض کنم. امیدوارم هر یک از برادران و خواهران مکرم با استمداد از عقل ایمانی خویش پاسخ‌های خود را بیابند:

۱- پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام بنا بر دستور قرآن مجید که می‌فرماید: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**^۱، در راه پرهیز از تفرقه مسلمانان و اتحاد آنان از هیچ کوششی دریغ نکردند. علاقه‌مندی به حفظ اتحاد بود که موجب شد علی علیه‌السلام به فرمایش خود: **فَصَبْرٌ وَفِي الْعَيْنِ قَدَى وَفِي الْحَلْقِ سَجَا**، در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو داشت، صبر کند و ۲۵ سال خانه‌نشین گردد و سکوت کند و نیز توجه به همین مهم بود که باعث اعتلاء و توسعه اسلام در قرون اولیه اسلامی گردید. اکنون که مسلمانان از جوانب گوناگون مورد تهاجم قرار گرفته‌اند، حصول این اتحاد بخصوص در داخل ایران بیش از هر زمان دیگر لازم و ضروری است، از این رو باید نسبت به طریقه‌ها و سلیقه‌های مختلف مذهبی موجود در داخل اسلام که امری طبیعی است به تحمل و مدارا رفتار کرد و وجهه‌ی جامع مسلمانان را که شهادتین است مورد توجه قرار داد و کوشش کرد که یک نفر نامسلمان را مسلمان کرد نه اینکه به محض یافتن اختلاف ظاهری با فهم و سلیقه دینی خود حکم به انحراف دیگر مسلمانان داد.

۲- تصوّف و عرفان اسلامی، حقیقت معنوی اسلام و عین تشیّع است و انتساب سلاسل صوفیه به حضرت علی علیه السلام و استقرار تشیّع به عنوان مذهب رسمی ایران از جانب آنان شاهد صدق این گفتار است، لذا به صرف وجود اخباری ضعیف در ذمّ تصوّف که انتساب آنها به ائمه اطهار علیهم السلام نیز مشکوک می‌باشد، نمی‌توان حکم کلی در ذمّ تصوّف کرد. اگر اینطور باشد اخباری که در ذمّ مجتهدان و علما از ائمه بزرگوار علیهم السلام نقل شده بسیار بیشتر از اخبار در ذمّ تصوّف است و بدیهی است که منظور آن بزرگواران اجتهاد و علمی است که از معدن ولایت اخذ نشده و مخالف اوصاف اجتهاد و علم حقیقی است. درمورد تصوّف نیز به فرض صحّت آن اخبار، مراد ایشان صوفیانی است که دارای اوصاف مذموم و نامأخوذ از مقام ولایت هستند.

۳- تلاش مشایخ حقیقی تصوّف و عرفان در اصلاح اخلاق و تهذیب نفوس و تحکیم عقاید ایمانی بر محققان تاریخ اسلام واضح و مبرهن است. کشور ایران از قدیم‌الایام مهد تصوّف و عرفان بوده است و حضور کتاب‌های عرفانی مثل مثنوی مولوی در کنار قرآن مجید در خانه ایرانیان گواهی بر این حقیقت است و در واقع به همین واسطه اسلام از ایران تا چین و مالزی و اروپای شرقی و آفریقا گسترش یافت. لذا مسأله تصوّف و عرفان حقیقی در ایران مسأله‌ای دینی - ملی است و هرگونه تلاش در تضعیف آن منجر به نتایجی سوء

در تضعیف دینی، اخلاقی و فرهنگی ملت ایران خواهد شد.

۴- احترام و تجلیل علمای شیعه که مصداق مقبوله شریفه عمر بن حنظله هستند از قدیم‌الایام مورد تأیید بزرگان این سلسله بوده است و همواره تأکید شده که در مسائل عملیه به هر یک از ایشان که فقرا خود واجد شرایط تشخیص می‌دهند مراجعه کرده و تقلید نمایند. البته معظم لهم نیز بی‌شک در حدود تکلیفی که در آن مقبوله برعهده آنهاست، و بنابر تصریح رساله‌های معظم لهم شامل اعمال است و نه اعتقادات، انجام وظیفه می‌کنند و تکلیف سنگین شئون مرجعیت علمی را به دور از جنجال‌های عامیانه در نظر دارند و مدافع حریم ایمانی اشخاص خصوصاً مقلدان خود و حفظ اتحاد همه مسلمانان و گوینده شهادت هستند. بزرگان متقدم فقهای شیعه مثل قاضی نورالله شوشتری، فیض کاشانی، مرحوم مجلسی و از میان متأخران بزرگانی مثل مرحوم میرزای شیرازی و شیخ مرتضی انصاری همواره به بزرگان تصوف و عرفان احترام گذارده‌اند ولی متأسفانه از اواسط دوره صفویه سیاست حاکم در صدد ایجاد تفرقه و تشتت میان آنها برآمد، با این همه همواره بزرگان طرفین سعی بر رفع القای این تفرقه داشتند.

۵- برخلاف آنچه شهرت یافته است، اسلام، دین سلام و صلح است. کلمه اسلام مأخوذ از سلام است و سلام نیز از ریشه سلم است که هم به معنای آرامش درونی و هم صلح خارجی است. از این رو به

فرموده نبی اکرم ﷺ مسلمان کسی است که دیگر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. در قرآن مجید درعین اینکه در مقامی می‌فرماید در مقابل عداوت دیگری مقابله به مثل کنید، در آیه دیگر به ترتیب دعوت به فرو خوردن خشم و سپس عفو بر دیگران و در بالاترین مرتبه دعوت به احسان می‌کند و از میان همه این مراتب می‌فرماید: **وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ**^۱ (خداوند احسان‌کنندگان را دوست دارد). در تصوّف و عرفان اسلامی از همه برادران و خواهران ایمانی توقّع می‌رود که بکوشند در مقابل خشونت ناروا به احسان رفتار کنند و در مقابل تقدیم گل، ضربه آجر را تحمّل نمایند و جهاد اصغر را به جهاد اکبر تبدیل نمایند. همین کوشش معنوی است که در تصوّف و عرفان مهم‌ترین اجابت دعوت **مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ** بزرگان دین محسوب می‌شود.

۶- احترام به اماکن مقدّسه همه ادیان الهی از دستورات مؤکّد اسلام است و پیامبر اسلام ﷺ در همه جنگ‌ها به مسلمانان در این باره توصیه‌ای فرمودند و حتی در شریعت اسلام خواندن نماز مستحب در معابد یهود و نصاریّ دستور داده شده است. شارع مقدّس اسلام وقتی نسبت به اماکن مقدّس ادیان دیگر غیر از اسلام چنین دستور داده است، به طریق اولی در داخل اسلام حفظ حرمت این اماکن اعم از حرم‌های شریف ائمه اطهار **علیهم‌السلام** یا مساجد و حسینیه‌هایی که به نام

بزرگان بوده و در آنها نام آن بزرگان برده می‌شود، مورد تأکید بیشتری است. هرگونه قشریت و تعصب فکری به هر صورت که حمله و تخریب این قبیل اماکن شریف و ایجاد تفرقه و دشمنی میان گروه‌های مسلمان را تجویز می‌کند، برخلاف تعالیم اسلام می‌باشد و از جانب مسلمانان آزاداندیش مردود است. اگر خدای ناکرده تعلیم‌دهندگان جامعه جهل و تعصب را ترویج و تعلیم دهند تا با استفاده از آن، جهال و متعصبان را به هوای نفس به تخریب خانه مقدسی وادارند، روزی همان‌ها بر مرییان خویش خواهند شورید.

۷- حکمای بزرگ فصل ممیز انسان از دیگر حیوانات را عقل دانسته‌اند. عقل ایمانی یعنی عقلی که مهتدی به هدایت ایمان است، موهبتی الهی است که می‌تواند وظایف اجتماعی ما را در زمانه‌ای که بیش از همیشه حق با باطل مشتبه شده است، معین کند. همین عقل است که شر را از خیر تشخیص می‌دهد یا میان دو شر آن را که شرتر است، درک می‌کند. پس باید این عقل را پاس داشت و در فهم مسائل و رفع جهل و نادانی که مستمسک استثمار بوسیله بیگانه است به آن مراجعه کرد.

۸- در مورد حق‌الله، خداوند که کریم و بخشنده است، فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُعْزِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَعْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ^۱، یا اینکه

مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها (قسمت دوم) / ۲۵

می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً. أَمَا حَقَّ النَّاسِ رَا خِدَاوَنِد بَه صَاَحِب حَق اَعطَا كَرَدَه اَسْت وَاغَايِر.

نکاتی که عرض شد هیچکدام جدید و نو نیست و جزء اصول تصوّف و عرفان در دستور همه بزرگان سلف این سلسله به اقتضای زمان بیان شده و فقط از جهت تذکّر و یادآوری مجدّداً اظهار گردید. امیدوارم حضرت حق تعالی شأنه ما را موفق بدارد که در سال جدید به بصیرت و دانایی پیرو تعالیم دین مبین اسلام باشیم.

وَالسَّلَام عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

فقیر حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)

اول ربیع الاول ۱۴۲۷ قمری

مصادف با هجرت پیامبر از مکه به مدینه

به مناسبت عید نوروز باستانی ۱۳۸۶ ه. ش. و تقارن آن با اول ربیع الاول، ماه

ولادت پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق علیه السلام و یادآوری نکات فکری و اجتماعی به فقرا^۱

يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالَ حَوْلٌ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

عید نوروز باستانی یادگار زرتشت پیامبر علیه السلام و میراث جاودان ملت شریف ایران است و با آمدن فصل بهار و تولد دوباره‌ی طبیعت با تمام خرمی و سرسبزی و زیبایی آغاز می‌گردد و تمام ملل شرقی مخصوصاً ایرانیان به استقبال آن می‌روند و سعی دارند هر چه باشکوه‌تر آن را برگزار نمایند در حقیقت آن را سمبل آشکار احیای عدالت اجتماعی می‌دانند و این بهار طبیعت، بهار عشق به فطرت انسانی و حقیقت می‌باشد و ریشه در سنن باستانی این مرز و بوم دارد به همین جهت در طول تاریخ، قدرت‌های خارجی یا بیگانگان که به این سرزمین مقدس هجوم آوردند، هر چه تلاش کردند که این آداب و رسوم ملی و مذهبی را از بین ببرند و فرهنگ و تمدن خود را بر مردم ایران تحمیل نمایند، در برابر نیروی قدرتمند و مقاومت ملت شجاع و سربلند ایران ناتوان شدند بلکه خود مجذوب آن گشته و آن را پذیرفتند و در حقیقت نوروز

۱. تاریخ اول ربیع‌الاول ۱۴۲۸ ه. ق. برابر با ۱۳۸۶/۱/۱ ه. ش.

و آداب و رسوم این عید فرخنده، نماد استقامت و پایداری فرهنگی در برابر سلطه سیاسی بیگانگان و اقوام ضدّ ایرانی است و این پیام را به همراه دارد که ما باید از اصالت و هویت و استقلال ملی خود که صلح و دوستی و همبستگی و شادی می‌باشد، پیوسته حمایت و دفاع نماییم.

خوشبختانه دین مقدّس اسلام و پیامبر عظیم‌الشّان آن و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام نیز آنچه جزء عرف و آداب هر قوم و ملّتی بود و با تعالیم الهی و فطرت انسانی منافات نداشت نه تنها نهی نفرمودند، بلکه تأیید نمودند همانطور که حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام طبق آنچه در روایات و کتب ادعیه آمده است برای نوروز و هنگام تحویل سال، دستور غسل و پوشیدن لباس نو و حتی روزه و نماز مخصوص و دعای تحویل سال دستور فرموده‌اند. بدین ترتیب عید نوروز هم سنّت دیرینه‌ی ملی و هم عید مذهبی می‌باشد مخصوصاً که طبق بعضی روایات و تواریخ، نظر محققین آن است که واقعه‌ی مهم غدیرخم که افتخار شیعیان و سند تاریخ تشیّع است از جهت تاریخ شمسی مقارن با عید نوروز ایرانیان بوده است. بنابراین وقتی دین و عرف اجازه نمی‌دهد که بیگانه و دشمن، سنّت‌های مستحکم را از بین ببرند، مسلماً تصوّف و عرفان که ریشه در فطرت الهی انسان داشته و از جان و روح بشر سرچشمه گرفته و مخصوصاً اینکه روح شریعت اسلام و باطن کتاب قرآن مجید است، از کید دشمنان محفوظ می‌ماند.

تصوّف چنان با ذوق ملّت شریف ایران آمیخته است که آثار ارزنده ادبیات منظوم و منثور ایرانی بدون ذوق عرفانی و چاشنی تصوّف اسلامی، جیفه‌ای بی‌روح و طعمی ناسازگار می‌باشد و تصوّف و عرفان که مفاخر بزرگ ملی مانند: مولوی، حافظ و سعدی و جامی و عطار و سنایی را تقدیم بشریت نموده و آثار آنان از بهترین و ارزشمندترین میراث فرهنگ ایران و اسلام است، نمی‌توان محو نموده و از صفحه‌ی جان شیفتگان مکتب عشق به معنویت براندازند. بنابراین به مصداق آیه شریفه *مَا عِنْدَكُمْ يَنْقَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ*^۱، آنچه رنگ و ریشه الهی دارد پیوند با ابدیت داشته و فناپذیر نیست و در ادامه‌ی آیه خداوند به آنها که در برابر تلاش بی‌نتیجه کسانی که می‌خواهند با پُفِ خود نور خورشید حقیقت را خاموش نمایند، بر استقامت و ایمان و صبر و پایداری خود می‌افزایند، می‌فرماید: *وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ*. حوادث و وقایع تاریخی نشان داده است که بر خلاف آنچه در ظاهر به نظر می‌آید، عداوت معاندین با حق یکی از عوامل ترویج حقیقت و اثبات مظلومیت پیروان آن و موجب برافتادن باطل می‌گردد که فرموده‌اند:

بس تجربه کردیم در این دیر مکافات

با آل علی هر که درافتاد، بر افتاد

برای تقویت مبانی راه فقر و عرفان که همان تشیع حقیقی است و اجابت دعوت مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ که خداوند پاداش آن را در آیه: *إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ*، وعده داده است، در طلیعه سال جدید نکاتی را که ممکن است تکراری هم باشد برای فقرا یادآوری می‌نمایم و از تمام فقرا تقاضا می‌کنم که خود را به رعایت آنها ملزم نمایند و این پیام را هر از چند گاهی مرور نموده و در مجالس فقری داخل و خارج از ایران بخوانند و همگان مواد آن را خلاصه‌ای از تعهدات ایمانی و تعلیم مکتب درویشی بدانند:

۱- شریعت و طریقت یک حقیقت و دو روی یک سکه‌ی الهی و از یکدیگر تفکیک ندارند. فقرا موظفند هم احکام شریعت مقدس را رعایت و هم آداب فقر و طریقت را که روح آن اعمال است مقید باشند. تقلید در اصول دین جایز نبوده بلکه لازم است در این مورد تحقیق بر اساس تفکر و تعقل صورت گیرد.

۲- شرکت در مجالس فقری که معنأ مجوز آن را رسول خدا و ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام صادر فرموده و مجلس ذکر خدا و فرا گرفتن آداب مذهبی و تهذیب اخلاق و دیدار مؤمنین و تزکیه‌ی نفس و تخلیه از کدورات نفسانی و اغراض دنیوی می‌باشد مخصوصاً در این زمان از اهمّ وظایف فقرا و موجب تألیف قلوب و تضعیف عناد معاندین است.

۳- بیداری سحر، دوام طهارت، قرائت قرآن و تفکر و تدبّر در

آیات شریفه‌ی آن و اجرای تعالیم این کتاب آسمانی و مناجات با خدا و استمداد از باطن اولیای خدا و تمسک به دو یادگار پیغمبر اکرم ﷺ یعنی قرآن و عترت موجب نورانیت و صفای قلب و جلب نعمت‌ها و نزول برکات و دفع آفات و ریزش رحمت الهی است، فقرا خود را از این وسائل تقرب به حق محروم نمایند: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.^۱

۴- همه - حتی جاهلان و معاندان - از مکتب فقر و از یک‌یک فقرا انتظار محبت و گذشت و ایثار را دارند و این خود یکی از دلایل حقانیت فقر و درویشی است پس به حکم آیه شریفه وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^۲، چون همه‌ی ما از محبوب انتظار عفو و گذشت از گناهان و خطاهای خود را داریم باید بر محبت و وفاداری و مهربانی و گذشت نسبت به یکدیگر بیفزاییم. در آغاز سال جدید انتظار این است چنانچه کدورتی هم بوده با مصافحه با یکدیگر و گذشت قلبی تبدیل به صفا و صمیمیت گشته و گانه‌م بنیان مَرُصُوصٌ در راه رضای مولی که نصرت و تقویت دین است، همگام باشیم و چنانچه بین دو فقیر کدورتی بود، دیگران وظیفه دارند حتی‌الامکان در رفع آن اقدام نمایند که: فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَانِكُمْ.^۳

۱ . سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲ . سوره نور، آیه ۲۲.

۳ . سوره حجرات، آیه ۱۰.

۵- تحصیل علوم و بالا بردن سطح آگاهی علمی فقرا و مطالعه کتب مذهبی و عرفانی و تقویت مبانی فکری از عوامل مهم رفع شبهات و دفع تهاجمات فرهنگی علیه مکتب فقر و تحکیم عقاید خود فقرا می‌باشد، زیرا یکی از طرفندهای دشمنان آن است که می‌خواهند مردم پیوسته در جهل بمانند. هر چه پیشرفت‌های علمی و تکنیکی در جهان بیشتر شود، حقانیت عرفان روشن‌تر می‌گردد.

۶- احترام و ادب نسبت به عموم پیشقدمان ایمانی مخصوصاً مشایخ محترم سلسله و مأذونین بر همه فقرا لازم است البته آنان نیز نسبت به فقرا مخصوصاً جوانان و مبتدیان در فقر با کمال محبت و رأفت، آداب فقری را آموزش دهند.

۷- از اینکه مشایخ و مأذونین سلسله نهایت محبت را نسبت به فقیر داشته و در انجام وظایف محوله کوشش می‌نمایند و وجهه‌ی امر را مورد توجه قرار می‌دهند، سپاسگزار و دعاگو هستیم و انتظار داریم نسبت به یکدیگر نیز بطور روزافزون لوازم این محبت و احترام را رعایت و در این امر الگوی فقرا باشند.

۸- تحکیم مبانی خانواده و محبت بین اعضای خانواده، موجب خشنودی خدا و اولیایش بوده و در تربیت فرزندان که آینده‌سازان جامعه هستند نقش مؤثری دارد زیرا مسئولیت فردا نیز بر عهده‌ی ماست.

۹- اگر چه از اولین اعلامیه، این امر تذکر داده شده و رویه‌ی

بزرگان سلسله همین بوده است و بر اهل فهم و بصیرت پوشیده نیست ولی مجدداً تأکید می‌شود که امر طریقت و عرفان و مجالس فقری تابع هیچگونه سیاست و حزبی نبوده و به عبارت دیگر درویشی در سیاست دخالت نمی‌کند چون امری قلبی و روحی است اما افراد فقرا آزادند که با تفکر خود هر روش سیاسی را که در محدوده‌ی مکتب اسلام و با هدف خدمت به بندگان خدا باشد، انتخاب نمایند؛ این موضوع را نباید با انجام خدمات اجتماعی و فعالیت‌های قانونی که وظیفه‌ی عمومی است، اشتباه نمود.

۱۰- زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج برای افراد مستطیع، واجب و توجّه به اسرار عرفانی آن برای همگان مفید است و همه آرزو داریم که حتی اگر این توفیق قبلاً هم به عنوان فریضه، نصیب ما شده است، مجدداً عنایت گردد. همچنین زیارت قبور ائمه‌ی اطهار و اولیای دین علیهم‌السلام از جمله زیارت قبور بزرگان سلسله، مشوق سلوک است و زیارت مزار سلطانی بیدخت که مهبط انوار الهی و مدفن اجساد مطهّری است که عمر خود را در راه هدایت و تربیت بندگان خدا صرف کرده‌اند و بسیاری از فقرا درک حضور بعضی از آنان را نموده‌اند، موجب خشنودی روح آن بزرگواران و کسب فیض است. در تشرّف به مگّه‌ی مکرّمه و مدینه‌ی منوره و مشاهد متبرّکه از طرف این فقیر نیز زیارت نموده و برای همه بندگان خدا دعا نمایند و در سفر به بیدخت و اقامت

در آنجا به تمام نکاتی که در اعلامیه‌ی مربوط به زُوار صادر شده است و در صحن مزار و اتاق‌ها نصب گردیده، توجّه و آنها را اجرا نمایند و از فیض بیداری سحر، هنگام مناجات و حضور در نماز جماعت غفلت ننمایند.

۱۱- روش معاندین عرفان و ولایت در طول تاریخ پر عظمت فقر و تشیّع بر کسی پوشیده نیست اما وظیفه فقرا همان گُل دادن در برابر سنگ است و آن را امتحان الهی دانستن و صبر و تحمل نمودن و بر مقاومت و تضرّع به درگاه حق افزودن و توجّه به ذکر دوام و فکر مدام داشتن و هر چه غیر مولی را از دل زدودن و بر نیکی‌ها افزودن و دعا برای هدایت آنان نمودن و انتظار گشایش داشتن است.

۱۲- انجام امور خیریه و کمک به بندگان خدا در هر زمینه‌ای از مصادیق خدمت و شفقت به خلق خداست که از تعهدات ایمانی و وظیفه‌ی تمام فقرا در هر زمانی است و نیاز به نام و عنوان خاصی ندارد. اِخوان با همکاری یکدیگر و با محبّت و اتّحاد، مجموعه خدمات خود را بطور هماهنگ و منظم انجام دهند چون تعدّد عناوین، خود از جلوه‌های پراکندگی و اختلاف خصوصاً در اذهان عوام و دشمنان خواهد بود، تأکیدی که در مورد نظم در صفوف نماز جماعت شده که بارها تذکر داده‌ام و باید رعایت شود نیز به همین منظور و خود در تألیف قلوب و اتّحاد و همبستگی بسیار مؤثر است.

۱۳- رعایت قانون برای همه افراد جامعه ضروری است، فقرا نیز مطیع قانون هستند و این روش، خود بهترین پاسخ عملی به قانون شکنان و سعی در جهت قانونمند نمودن یک جامعه است.

۱۴- فقرا که افتخار دارند شیعیان دوازده امامی و منتظران ظهور فاضل‌النور قائم آل محمد ﷺ هستند لازم است دوران انتظار که دوران تکلیف بزرگ و مسئولیت خطیر است را با توبه از گناهان و انجام اعمال نیک و حسن خُلق و آنچه قلب مبارک آن امام همام را خشنود می‌سازد، گام برداشته و زمینه‌های ظهور آن حضرت را فراهم سازند. امید است که از ملازمین رکاب ظفر انتساب حضرتش قرار گیریم.

خوشبختانه روز اوّل فروردین امسال مقارن با روز اوّل ربیع‌الاول و ماه ولادت پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق ﷺ گردیده است، آن را به فال نیک گرفته و نوید سعادت و خوشبختی و مهر و مودت و رحمت و عنایت و موفقیت به همراه دارد. از این جهت به همه مسلمانان، و ایرانیان و فقرا تبریک و تهنیت عرض نموده و سلامتی و توفیق همه را از درگاه خداوند مسألت می‌نمایم و نَصْرٌ مِنْ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ را آرزو دارم.

التماس دعا : فقیر حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب‌علیشاه)

اوّل فروردین ۱۳۸۶ شمسی

بیانیه مناسب تخریب حسینیه بروجرد^۱

واقعه اخیر تخریب حسینیه فقرای بروجرد که خانه حضرت امام حسین علیه السلام و مانند تمام حسینیه‌ها و مجالس فقری، محل ذکر و توسل به ذیل عنایت اولیای الهی بود، موجب تأسف هر دیندار و ولایتمدار بلکه هر انسان گردید و برخلاف تمام موازین شرعی و قانونی بود. اما صاحب اصلی آن که طبق فرمایش حضرت عبدالمطلب علیه السلام به ابرهه: **لِلْبَيْتِ رَبُّ اسْت**، **هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ**^۲، منتقم حقیقی اوست و خود می‌داند که نسبت به بنیان و محرکین و عوامل اینگونه اهانت‌ها چه کند. **يُجْرَبُونَ يُؤْتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ**^۳.

وظیفه ما فقرا مخصوصاً در این برهه از زمان، توجه و توسل بیشتر به خدا و شرکت در مجالس فقری و دعا نسبت به همه بندگان خدا و حفظ وحدت و همدلی و خدمت و رسیدگی به مصدومین و مجروحین این حادثه دلخراش و خانواده‌های مظلوم و صبور و مقاوم آنان است و از اینکه فقرا تاکنون چه در این حادثه و چه در وقایع

۱. تاریخ نهم ذی‌قعدة ۱۴۲۸ ه. ق. برابر با ۱۳۸۶/۸/۲۹ ه. ش.

۲. سوره انفال، آیه ۶۲.

۳. سوره حشر، آیه ۲.

گذشته هرگونه خدمتی نموده‌اند، متشکر و دعاگو بوده و امیدوارم مقبول درگاه الهی به حکم آیه شریفه: **لَا تُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ**^۱، قرار گیرد.

اکنون جهت اجتناب از هرگونه پراکندگی و برای رعایت انسجام و نظم بیشتر، فقرا کمک‌های مالی خود را توسط برادر مکرم آقای حسینعلی کاشانی بیدختی **وَقَقَهُ اللهُ** پرداخت نموده و همچنین ایشان از طرف این فقیر مسئولیت ترتیب و نظم مجالس فقری بروجرد با هماهنگی با آقای عبدالله مدیری و ستادی که در بروجرد تشکیل می‌دهند را به عهده دارند. توفیق همه فقرا را از خداوند مهربان مسألت دارم.

التماس دعا: حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)

نهم ذیقعدہ ۱۴۲۸ قمری

۸۶/۸/۲۹

۱. سوره یوسف، آیه ۵۶: پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.

پیام به مناسبت عید سعید نوروز ۱۳۸۷ ه. ش.

و تقارن آن با ایام میلاد معبود پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق ﷺ

يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند

چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند

حلول عید سعید نوروز سال ۱۳۸۷ شمسی را که مقارن با فرخنده ایام میلاد با سعادت پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق ﷺ است، به تمام ایرانیان عزیز مخصوصاً برادران گرامی سلسله نعمت الهی سلطان علیشاهی حَفَظَهُمُ اللهُ وَوَفَّقَهُمْ که به محبت و ولایت و پیروی از ائمه اثنی عشر ﷺ افتخار می‌نمایند، تبریک و تهنیت عرض نموده و از درگاه خداوند مهربان در ظلّ عنایات خاصّه حضرت قائم آل محمد ﷺ سلامتی و توفیقات صوری و معنوی و رفع تمام بلیات و گرفتاری‌ها را برای همه مسألت می‌نمایم. از جهت وظیفه‌ی الهی خود و علاقه وافر قلبی که به فقرا دارم، تذکراتی را اگر

چه تکراری، متذکر می‌شوم:

۱- جمع بین شریعت و طریقت و احکام ظاهر و آداب باطن از اَهَمّ توجّهات این سلسله جلیله بوده و بزرگان و راهنمایان این مکتب همیشه به این حقیقت و جامعیت تأکید نموده و پیوسته راهروان این راه را به اجرای هر دو که مانند روح و بدن و مغز و پوست می‌باشند، توصیه فرموده‌اند اما دو گروه جاهلین و مغرضین که در هر زمان برای تخطئه‌ی حق می‌کوشند و جهل را در اذهان جهّال مستحکم می‌سازند، دقّت ننموده و آن را به عنوان جدایی شریعت از طریقت قلمداد نموده و دین را فقط در شریعت منحصر می‌دانند. حضرت شاه نعمت‌الله ولی علیه السلام که این سلسله به نام نامی آن حضرت می‌باشد، فرموده‌اند:

دانستن علم دین شریعت باشد

چون در عمل آوری طریقت باشد

چون جمع کنی علم و عمل با اخلاص

از بهر رضای حق، حقیقت باشد

۲- بنا به فرمایش حضرت آقای صالح‌علیشاه قَدَسَنَا اللهُ بِسِرِّهِ الشُّجَانِی در مقدمه رساله شریفه *پندصالح*: «البته باید انقلابات دنیا و جنبش که در هر موردی مشهودست در ما نیز اثر نماید و بیدار شویم و از موقع استفاده کنیم و اگر چه عنوان حزب و دسته‌بندی و دخالت در کارهای دنیوی در درویشی و بندگی نیست ولی مؤمن باید زیرک و

انجام‌بین بوده و قدر آسایش را دانسته، شکرگزار باشد و هر موقع موانع کمتر بود در توجّه و عمل بکوشد و در رفع شُبّهات و اختلافات مذهبی فروگزار نماید.» و چون امید کامل می‌رود که با رعایت کلیه دستورات شریعت و طریقت، قدرت تشخیص مسائل دنیوی که اَخَفّ از مسائل معنوی است برای فقرا حاصل شود، لذا مسائل دنیایی (سیاست به معنای متداول آن) به عهده خود آنان است که با مشورت و همراهی با برادران تصمیم بگیرند و ان‌شاءالله به حصول آجرین نایل گردند.

۳- هنوز داغ‌دل دینداران حقیقی و مؤمنین در ایران و خارج از کشور از قضیه تخریب حسینیه قم آرام نشده بود که موضوع تخریب حسینیه فقرا در بروجرد پیش آمد، آمرین و مسببین و کلیه کسانی که به نوعی در این گناه بزرگ شرکت داشتند بدانند که خداوند دارای جنود و لشکریانی است که آنها را در دنیا و آخرت از وجهه کریمشان ساقط کرده و به سزای اعمالشان می‌رساند و حتی کسانی که راضی به این اعمال باشند نیز شریک در جرم هستند. «الهی آن را که خواهی براندازی، با درویشان در اندازی». ضمناً کلیه کسانی که به هر نحوی از چنین اقدامات جاهلانه و مغرضانه تبرّی جسته و آن را تقبیح نمودند مخصوصاً سلسله جلیله علما و اندیشمندان قطعاً در درگاه حق مأجور و مُثاب بوده و نزد بندگانش بر شخصیت و اعتبار خود که دفاع از حقوق انسان‌های مؤمن نموده‌اند، بیش از پیش افزوده و فقیر نیز از آنان

سپاسگزاری می‌نمایم و همچنین از کلیه فقرای داخل و خارج از کشور که با ارسال کمک‌های خود با برادران و خواهران ایمانی آسیب دیده در این وقایع و همچنین حوادث غیرمترقبه دیگر مانند زلزله بم و سیل استان گلستان و مازندران و برف و طوفان استان گیلان همدردی و محبت نمودند، متشکرم و این عمل خیرشان نشان می‌دهد که حالشان گویای (مَحْنُ رُوحَانِ حَلَلْنَا بَدَنًا) است، از خداوند ترفیع درجات معنوی آنان را مسألت دارم.

۴- شرکت و حضور در مجالس فقری شب‌های جمعه و دوشنبه از مهم‌ترین وظایف فقری در این زمان است زیرا به موجب فرموده رسول خدا ﷺ مجالس ذکر خدا از باغ‌های بهشت در دنیا و جایگاه آماده نمودن بهشت اخروی است. رویه پیشوایان و راهنمایان سلسله، حضور در این مجالس بوده که به پیروی از آنان ما نیز باید این چراغ را روشن نگهداریم و مخصوصاً با انواع اشتغالات و گرفتاری‌ها که در این زمان وجود دارد مجالس فقری بهترین فرصت است برای یاد خدا و دیدار بزرگان و ملاقات مؤمنین و آگاهی از حالات یکدیگر و کسب معارف حقه و اکتساب فضایل اخلاقی و آرامش روحی که مهم‌ترین نیاز افراد جامعه در این دوران است و این مجالس که مجوز آن معنأً از سوی پیامبر اکرم و ائمه معصومین ﷺ صادر گردیده است و حضرت علی ﷺ می‌فرماید: عَلَيْنَكَ بِمَجَالِسِ الذِّكْرِ (بر تو باد شرکت در

مجالس ذکر) اگر این دستور را وجوب هم ندانیم، مُسَلِّماً توصیه مؤکد تلقی می‌شود. در این مجالس اِحياء امر دین و توسل به ذیل عنایات اولیای حق مورد نظر است پس هر مؤمن و عاقلی سعی و اهتمام در ترویج و رونق آن خواهد داشت و چون هیچ امر خلاف شرع مطهر و قانون در آن صورت نمی‌گیرد به هیچ وجه تعطیل نخواهد شد. حاضرین در این مجالس چه در حسینیّه‌ها و چه در منازل در داخل و خارج ایران می‌دانند که در مدّت جلسه فقری، صاحب آن حضرت مولا است.

۵- اتحاد و همدلی فقرا و نداشتن کدورت و رنجیدگی از یکدیگر از مهم‌ترین عوامل رشد معنوی سالکین بوده و موجب رونق مکتب فقر و خار چشم معاندین است و فقرا باید به لوازم برادری با یکدیگر رفتار نمایند تا پدر روحانی از آنها راضی و رحمت الهی نازل گردد وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ، را به یاد داشته باشند و در اصلاح بین مؤمنین هر چه توانند کوشش نمایند:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقت ما کافر است رنجیدن

۶- علمای شریعت و راهنمایان طریقت مانند "دو دست یک انسان و دو شعبه یک اداره و دو شاخه یک درختند" که در مسیر تعالی و تکامل مسلمین انجام وظیفه می‌نمایند و فقرا در احکام شریعت از علمایی که متّصف به چهار صفت و نشانه مهم مرجعیّت می‌باشند در

اعمال شرعی تقلید و پیروی نموده و نهایت ادب و احترام را نسبت به آنها رعایت می‌نمایند و آن چهار صفت همان است که: مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ، اَمَّا هَمَانُطُورُ كَمَا فِي رِوَايَاتِنَا مِنْ نَشَانِهِمْ أَمَدَةٌ أَمَدَةٌ وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فَهْمِ الشَّيْخَةِ^۱، این نشانه‌ها فقط در بعضی از فقهای شیعه است. سنایی عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ می‌فرماید:

چو علم آموختی از حرص ایمن شو که اندر شب

چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا

۷- فقرا در امور مادی و دنیوی و خانوادگی از نیروی تعقل و تفکر خود و مشورت با کسانی که در امور فوق آگاهی و تجربه دارند، کمک بگیرند و با توکل به خدا امور خود را انجام دهند و حتی از استخاره مگر در موارد ضروری کمتر استفاده نمایند و بیشتر از قرائت قرآن و تدبیر و تفکر در تعالیم این کتاب آسمانی به عنوان برنامه زندگانی فردی و اجتماعی بهره برند و با نور قرآن در امور صوری و معنوی، زندگانی خود را نورانی نمایند.

۸- زیارت خانه خدا و مدینه منوره و عتبات عالیات و مراقد بزرگان دین از وسایل تقرب به خدا و کمک‌کار سالک است از جمله چون چهار نفر از بزرگان ما که حقّ زیادی در هدایت و تربیت ما دارند

۱. بحارالانوار، مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۸۸.

در بیدخت مدفون می‌باشند، فقرا پیوسته به آن مزار متبرک رفته و در مدّت اقامت در آنجا که نباید از سه روز بیشتر باشد با رعایت توصیه‌هایی که به زوّار و مسافرین طیّ اعلامیه‌ای شده است بر رونق آن مکان مقدّس افزوده و بهره روحی و معنوی برده و از کتابخانه سلطانی در ایّام توقّف خود در آنجا استفاده نمایند. به برادران محترمی که افتخاراً در مزار سلطانی خدماتی انجام می‌دهند همواره دستور داده شده است که حتّی الامکان با زوّار نهایت همکاری را نموده و رضایت خاطر آنان را جلب نمایند.

۹- خدمت به مؤمنین (بلکه به نوع بشر) از ارکان فقر و جزء تعهّدات ایمانی و موجب خشنودی مولا و پیشرفت کارها و آسایش در دنیا و آخرت است و: "مایه‌ی محتشمی خدمت درویشان است" و لازم است قولاً و عملاً این روحیه که بحمدالله در فقرا مخصوصاً در جوانان وجود دارد، تقویت شود و از این توفیق الهی بیشتر بهره‌برداری گردد لذا باید فقرا آداب خدمت را از دستورات بزرگان مخصوصاً رساله شریفه پندصالح فراگیرند، ضمناً در شهرستان‌هایی که مشایخ و مجازین هستند یا دارای حسینیه و هیأت اُمنّا می‌باشند با هماهنگی با آنها خدمات فقری را انجام دهند که این موهبت الهی هر چه بیشتر در جهت تقویت وحدت و همبستگی فقرا با یکدیگر به کار رود، زنده‌ار از آنکه بالعکس سبب تفرقه و کدورت گردد.

۱۰- همیشه باید به رحمت الهی و وعده‌ها و بشارت‌های خداوند در قرآن به مؤمنین امیدوار بود و یک حکمت آنکه انتظار ظهور فائض النور حضرت صاحب الزمان ع را از عبادات دانسته و توصیه فرموده‌اند، همین است که نور امید را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد و مؤمن را به شوق لقای محبوب تربیت می‌نماید. پس، از هیچ قدرتی جز قدرت الهی نباید واهمه داشت و بر فقرا لازم است انسجام و همدلی با یکدیگر را با شجاعت و شهامت توأم داشته و از خود ضعف و سستی نشان ندهند و به لطف الهی امیدوار باشند؛ زیرا خداوند به نصرت مؤمنین نسبت به پیامبر اکرم ص توجه و عنایت داشته که فرموده است: **هُوَ الَّذِي آيَدَكَ بِصُرِّهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ**.^۱ استقامت در راه خدا و تحمل ناملایمات، میوه شیرین ظهور حق و استحکام آن و ثبات قدم و رفتن باطل را نتیجه خواهد داد. **رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ**.

التماس دعا: حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)

اول فروردین ۱۳۸۷ = دوازدهم ربیع الاول ۱۴۲۹

۱. سوره انفال، آیه ۶۲: اوست که تو را به یاری خویش و یاری مؤمنان تأیید کرده است.

نذرکراتی درباره‌ی برگزاری مجالس فقری و نحوه‌ی تفسیر در آن^۱

با عرض سلام

توجه داشته باشید که اگر دور از وطن و مرکز توجه اخوان هستید ولی به مصداق ”گر در یمنی و با منی، پیش منی...“ همواره چشم و گوش همه ما متوجه شماست. و چون دشمنان عرفان، فراوان و کید شیطان همواره مراقب است، هر حرکتی ولو با حسن نیت اگر مشابه کید باشد بر همه ماست که آن را خنثی کنیم و شب‌های دوشنبه و جمعه مختصّ مجالس فقری است، در این موقع، جلسه دوستانه شخصی برقرار نکنید، مجالس فقری هم در همانجایی باید باشد که مقرر شده است و حتی آقایان مشایخ معظم هم - به استثنای برادر مکرم آقای حایری - حقّ تغییر آن را ندارند و باید از خود حقیر یا آقای حایری استفسار شود. هرگونه سؤال و مطلبی هم دارید، برادر مکرم آقای دکتر آزمایش راهنمایی خواهند کرد. این نامه توسط ایشان به اطلاعاتان می‌رسد. از هرگونه تفرقه پرهیزید: وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

بنده کمترین حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)

پيام به مناسبت عيد سعيد نوروز ۱۳۸۸ هـ. ش.^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالَ حَوْلٌ حَالْنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالَ

عيد سعيد نوروز را به همه هموطنان عزيز بالاخص فقرا، برادران ايمانی، تبریک می گویم. عیدی است که برای ما از حضرت زرتشت علیه السلام یادگار مانده و در طی تاریخ بر مکتب اسلام هم عرضه شده و تأیید گردیده است چه به توسط پیغمبر صلی الله علیه و آله و چه به عنوان حضرت صادق علیه السلام. به حضرت زرتشت علیه السلام عرض می کنیم: ای بزرگوار! دیده بگشا و هموطنان خودت را ببین. ما یادگار تو را حفظ می کنیم ولی آنهایی که این یادگارها را تخریب می کنند، مزاحم هستند. إن شاء الله خداوند همه ما را در راه راست محکم بدارد: وَبُئْتُ أَقْدَامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اَعْدَانَنَا مِنَ الْمُحْمَقَاءِ، بنابراین گمان می کنند عظمت درویشی و عظمت ولایت الهی در ساختمان های بلند، کاشی کاری های عظیم و لباس های پر زرق و برق است، به خیال خود برای دشمنی و نابودی فقر و عرفان این مظاهر را

۱. تاریخ ۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۰ هـ. ق. برابر با ۱/۱/۱۳۸۸ هـ. ش.

از بین می‌برند و به خیال خود موفق شده‌اند و حال آنکه از بین بردن این مظاهر نه تنها به اصل مکتب لطمه نمی‌زند بلکه تاکنون تجربه کرده‌ایم که این تخریب‌ها موجب انتشار و عظمت مکتب تصوّف و عرفان شده است. وقایعی که در این چهار سال اخیر رخ داد هر کدام به نوبه خود تلفاتی از فقرا داد ولی عظمتی هم در مقابل به عالم فقر داد، یعنی در واقع عالم فقر، قربانی‌هایی داد و عظمت از طرف خداوند اعطاء شد. وقایع تخریب‌هایی که تاکنون دیدیم، موجب تعجب و تأسف است زیرا مسلمین صدر اول اسلام، هر جا را که فتح کردند، از جمله بیت‌المقدس را، اینطور بود که عمر خلیفه‌ی دوم، وارد کلیسای بیت‌المقدس شد و آنجا نه تنها برحسب سنت پیغمبر ﷺ یقیناً دو رکعت نماز خواند، بلکه مجدداً تولیت و کلید آنجا را به همان متولی قبلی داد.

امسال نیز گذشته از آن جراحتهای کهنه‌ای که بر قلب ما وارد شد، جراحات جدیدی هم وارد شد و بلکه بر جراحتهای گذشته، نمک پاشیده شد. اما خداوند در این جریان‌ها که برای ما امتحان و در عین حال برای آتیه‌ی ما ریاضتی تلقی می‌شود، بحمدالله تاکنون ما را سرفراز درآورده است و خداوند وقتی به قومی محبت داشت این دعای آنها که: رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، را در مورد آنها اجابت می‌فرماید و همینطور در مورد فقرا که فقرا هرچه بر آنها فشار وارد شد بر دعای

تَبَّتْ أَقْدَامُنَا أَفْزَوْدُنْدُ وَ خَدَاوَنْد نِيز أَنَهَا رَا مَوْيِد دَاشْت.

جالب توجه است، همانطوری که تمام وقایع عاشورا و کربلا، مقدمات و مؤخرات آن در ماه محرم بود، این عاشوراهايي که بر ما وارد شد نیز در ماه محرم بود ولی ما بنابراینکه پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: **مُخَلَّفُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ** به پیروی از پیغمبر ﷺ و پیروی از این دستور هرگاه گنهکاری به گناه خود اقرار و از آن توبه و پشیمانی داشته باشد، ما از حق شخصی خود می گذریم ولی مادامی که توبه ای دیده نشد، بقای آنها برستم و ظلم استصحاب می شود.

معذک امروز، چون سال نو آمده است و خداوند طبیعت مرده را حیات مجدد داده است و ما با تبریک به یکدیگر با هم روبرو می شویم، سعی کنیم این ناراحتی ها را از لحاظ شخصی فراموش کنیم و برای روز مبدا نگهداریم. مطالبی که فعلاً به عرض می رسد گرچه غالباً ممکن است تکراری باشد ولی ضرورت دارد که باز هم یادآوری کنیم که: **وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ.**

۱- برادران فقری همانطور که در تعهد معنوی و بیعت الهی مندرج است باید به احکام شریعت تسلیم بوده و اطاعت کنند و برای درک احکام شریعت، بهتر آن است که به علمای شریعت مراجعه کرده و یا رساله ها را مطالعه کنند که به صورت عمل به احتیاط عمل کنند. البته رساله ها یا علما هم، همه قابل تقلید نیستند، بخصوص که بعد از

عظمت اسلام و عظمت تشیع و ظهور قدرت معنوی تشیع در اذهان ایرانی‌ها، دشمنان سعی کردند به هر طریقی که شده است فرمان و رُل این قدرت را به دست بگیرند به این جهت بسیاری از اشخاص، یا عالماً و یا جاهلاً، به تحصیل علوم فقهی اشتغال ورزیدند و حتی بعضی‌ها به عالی‌ترین مراحل آن هم شاید رسیدند به این امید که شیعیان از لحاظ علاقه‌ای که به احکام شریعت دارند از آنها پیروی کنند. به این جهت بود که در طی تاریخ هم از امثال آنها فراوان داریم. ملاکی که برای ما حضرت معین فرموده‌اند این است که: مَنْ كَانَ مِنَ الْفَقَهَاءِ صَائِئاً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِينِهِ مُحَافِظاً عَلَى هَوَاهُ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ.

۲- همانگونه که همه‌ی مراجع در اوّل رساله خود نوشته‌اند که این رساله‌ها، راجع به اعمال است و راجع به اعتقادات، خود مکلف باید تحقیق کند، بنابراین صلاحیت قلمرو تقلید و اینکه چه مسائلی را باید تقلید کرد در درجه‌ی اوّل است. مسائلی که شخص، مکلف است و می‌تواند تحقیق کند، خود باید تحقیق کند. مثلاً در بررسی صلاحیت بعضی افراد، گذشته از تحقیق، اگر عالمی اظهارنظر کرد، آن به عنوان فتوی نیست، به عنوان مشورت است و باید توجه داشته باشیم که اعتقادات، قابل تقلید نیست.

۳- خداوند فرمود و وعده داد که: وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، که بشارت خود را به این کُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ مَقِيد

فرمود، بنابراین به هیچ وجه نگران و ناراحت از زحمات دنیوی از قبیل بازداشت، حبس و امثال اینها نباشید چه بسا شما بتوانید در این حبس به درجات عالی تری از معنویت برسید، امیدوارم خداوند وسایل رفاه را برای شما فراهم کند، ولی همیشه یاد خدا و اتحاد با یکدیگر را فراموش نکنید، اتحاد مومنین با یکدیگر باید طوری باشد که مصداق: **كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوعٌ** قرار بگیرند و الحمدلله از این حیث، توفیق الهی نصیب ما فقرا بوده است که قدم به قدم به جلو رفته ایم و این مسأله‌ی خاصّ مراجعه‌ی خودجوش روز درویش، آنقدر مهمّ بود که حتّی از طرف دشمنان، روز سوم اسفند به نام روز درویش نامیده شد و این برای دشمنان ایمان، متصوّر نیست که مؤمنین آنقدر دل‌هایشان به هم نزدیک باشد که خودجوش عملی با این اهمّیت انجام بدهند. همه دنبال این هستند که چه کسی باعث این شده است؟! کسی که باعث این شده است، روح ایمان است یعنی پیغمبر ﷺ و علی ﷺ که در دل‌های مؤمنین جای دارند و از این جهت من، بدون اینکه دخالتی داشته باشم بسیار خوشحال شدم و امیدوارم که فقرا همیشه وحدتشان را حفظ کنند و هیچگونه نقاری از یکدیگر نداشته باشند زیرا در آنصورت آن صفت **إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**، تضعیف شده و یا از بین می‌رود.

۴- امروز وسایل اطلاع‌رسانی فراوان است، بطوری که اکنون ما

تقریباً از مطبوعات داخلی، جز اندک بهره‌ای نمی‌توانیم ببریم زیرا ما را

بایکوت کرده‌اند ولی معذک اخبار ما را مرتب در دنیا پخش می‌کنند. این کار دشمنان است و بخصوص اخیراً شنیده شد که دشمنان، کمیسیون‌هایی تشکیل داده‌اند و از انواع مختلف کار فرهنگی استفاده می‌کنند، مثلاً در حدود بیست و چند کتاب که علیه درویشی در همین مدّت نوشته و به نام‌های مختلف منتشر شده است، همه از این کمیسیون است که تقریباً اعضای این کمیسیون را ما می‌شناسیم و برای ما آشنا هستند. تمام این کتاب‌ها تقریباً از یک نفر یا دو نفر است ولی هر کدام به اسامی جعلی منتشر می‌گردد. همچنین در این سایت‌ها همانطوری که قبلاً نوشته شده بود، در جایی دیدم که علیه ما هیجده سایت به اسامی مختلف تشکیل شده و اینها دقت می‌کنند چون اختلاف انداختن و تفرقه انداختن، سلاح مهم آنهاست، جزئی کدورتی که بین دو نفر از فقرا و بخصوص از بزرگان فقرا و مشایخ پیدا شود، این سایت‌ها و گردانندگان آنها به صورت ظاهر بعضی‌ها طرفدار این طرفند و بعضی‌ها طرفدار آن طرف و هر دو از هم بد می‌گویند که البته اخیراً معلوم شد و بسیاری از این سایت‌ها تعدیل شد، مثلاً یک سایت به عده‌ای توصیه می‌کند که با آنها دیگر صفا نکنید، مصافحه نکنید تا معلوم شود ما آنها را قبول نداریم. درویشی که مال شما نیست که شما قبول داشته باشید یا نداشته باشید! من نقل قول از حضرت آقای صالح‌علیشاه رحمته‌الله شنیدم که فرمودند: دستی را که گرفتیم

رها نمی‌کنیم اگرچه در آخرین مرحله زندگانی او باشد.

۵- مسأله دیگر نقش عقل است. در فقه اسلامی، عقل یکی از ارکان اربعه‌ی احکام تلقی می‌شود ولی مشهور است که از بزرگی پرسیدند که آیا عقل، حجّت است یا نه؟ فرمود: عقل من یا عقل تو؟ عقل من حجّت است، عقل تو نه. عقلی که از شوائب دنیوی و حبّ و بغض‌های شخصی، خالص و به دور باشد و هدفش اطاعت امر الهی باشد، چنین عقلی خودبخود راه را پیدا می‌کند و مصداق آن عقلی است که در سوره وَالشَّمْسِ ذکر شده است که می‌فرماید: وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، چنین عقلی، گذشته از اینکه از مسیر استدلال به جایی می‌رسد، الهام الهی نیز به او کمک می‌کند و این الهام صرفاً مختصّ به مؤمنین نیست، مواردی که خداوند مصلحت بداند الهام می‌فرماید، همه ما دیده‌ایم یا پای درخت خوابیده‌ایم و دیده‌ایم که سیبی یا میوه‌ای از درخت می‌افتد ولی خداوند این الهام را به نیوتن داد که از این امر ساده، قانونی را که خداوند مقرر کرده است، کشف کند و به ما اطلاع دهد. جایی که به او چنین الهامی می‌شود، مسلماً خداوند به مؤمنین هم الهام می‌کند، اَمَّا الْبَتَّةَ الهام هرگز مخالف با عقل نیست. به هرجهت احکام شریعت همیشه باید رعایت شود و مسأله‌ای نیست که در اصل تغییر یابد، ممکن است مصادیق احکام شریعتی در زمان‌های مختلف، متفاوت باشد ولی اصل اطاعت از احکام شرعی، همیشه

برجاست و ثابت است.

۶- در حرمت مواد مخدر بین عرفای اخیر اختلاف نظری نیست و همه بدان معتقدند، به این دلیل که خطر عظیمی در راه سلوک است و آلا در هیچ مورد دیگری بزرگان عرفان در مسائل شرعی دخالت نکرده‌اند.

۷- فرمایش علی علیه السلام را به خاطر بیاوریم که فرمود: اسلام از دو جنبه لطمه می‌بیند: متحجرین و بی‌دینان. نمونه‌ی متحجرین، خوارج صدر اسلامند که هم اکنون نسل آنها و تفکر و بینش آنها باقی است.

۸- به اتفاق نظریه‌ی همه بزرگان عرفان و شریعت، امروز دنیای اسلام نیازمند وحدت است، نیازمند دوستی است. به همین جهت همه‌ی ما تویخ می‌کنیم همه‌ی کسانی را که در این راه سنگ‌اندازی می‌کنند و به هر بهانه‌ای که شده است دشمنی‌های خود را به ظاهر، لباس شریعت می‌پوشانند و به عمل ضد شریعت می‌پردازند.

۹- برادران فقرا در روابط تجاری خود رعایت کمال احتیاط را بنمایند که موجب اختلاف پیدا نشود.

۱۰- مجالس شب‌های جمعه و دوشنبه و صبح جمعه برقرار است. البته فقرا به هر عنوان که تجمع کنند و با هم بنشینند و به یاد خدا باشند، مَثاب است ولی این مجالس دیگر جزء مجالس فقری حساب نمی‌شود و مثلاً کسی که در منزل شخصی خودش برای دیدار و

دیدوبازدید می‌نشینند و جلسه برقرار می‌کند، البته با یاد خدا بودن، مجلس را متبرک می‌سازد ولی مجلس فقری تلقی نمی‌شود.

۱۱- عرفان و تصوّف به اصطلاح عوامانه صلح کلّ است، باید توجه کرد همانطور که وقتی یک مجسمه‌ساز یا یک هنرمند، اثری بیافریند، اگرچه بعداً خود او، این اثر را در درجه‌ی اوّل اهمّیت قرار ندهد ولی همیشه به آثار خود علاقه‌مند است. به یاد بیاوریم که روایت شده است که خداوند متعال حضرت موسی علیه السلام را خطاب فرمود و از او پرسید یا به او اطلاع داد که تو چندین هزار نفر از بنی‌اسرائیل را کشته‌ای! و حضرت عرض کرد: بار الها! به امر تو بود. خداوند فرمود: بلی به امر من بود و بنابراین بر تو گناهی مترتب نیست، ولی دلت نسوخت که این همه جمعیت را کشتی؟! بدانید همه مخلوقات را که خداوند آفریده است مورد علاقه اوست، ما تا از راهیابی یک فرد ناامید نشویم، حق نداریم به او نظر بد داشته باشیم، چه رسد به اینکه او را مضروب و مصدوم کنیم و محلّ عبادت یا محلّ زندگی او را خراب کنیم، در این صورت گناهش چنان سنگین است که وای بر کسی که از این کار توبه نکند.

۱۲- آقایان مشایخ محترم همه باید مورد احترام فقرا باشند و بین آقایان مشایخ هیچ مزیتی نیست، تقدّم زمانی اجازه به هیچ‌وجه حکایت از تقدّم معنوی ندارد. ولی البته خود آقایان مشایخ، این نکته را رعایت

می‌کنند و خواهند نمود و توجّه داشته باشید که دستورالعمل کلی و دخالت در تمام مسائل و امور فقرا در همه شهرها و در کلّ مملکت فقط در صلاحیت قطب وقت است، حوزه مأموریت مشایخ محدود است و حتی اگر اجازه‌ی خاصی نداشته باشند، سخنرانی‌های خود را هم باید کوتاه‌تر نموده و فقط منحصر به مسائل محلی نمایند.

۱۳- درویشی در سیاست به معنی عوامانه‌ی آن و به آن نحوی که جاری است دخالت نمی‌کند، زیرا بعضی و بلکه بسیاری از منهیات شرعی و اخلاقی در عوالم سیاست برگزار می‌شود مانند ریاکاری، خُلفِ وعده و امثال اینها؛ ولی فقرا به اتکای عقل شخصی خود در سیاست‌ها دخالت می‌کنند و با توجّه به دستورات اخلاقی و شرعی تصمیم می‌گیرند و از جمله این مسائل که هر چند وقتی برای ما مردم پیش می‌آید مسأله انتخابات است. بنابراین توقّع اینکه از طرف قطب یا مشایخ دستوری به فقرا داده شود، روا نیست، مشایخ نیز چنین دستوراتی نمی‌دهند، فرضاً صحبتی کردند و چنین چیزی شنیده شد، نظر شخصی آنهاست، آن هم به عنوان یک درویش و برای دیگران لازم‌الاتباع نیست. بنابراین فقرا در مسائل سیاسی مثل یک شهروند باشند، حقوق خود را رعایت کنند و وظایف خود را هم انجام بدهند.

حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب‌علیشاه)

اول فروردین ۱۳۸۸ مطابق با ۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۳۰

پیام به مناسبت سالگرد روز درویش (سوم اسفند)^۱

هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَصَرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

چون نیک نظر کرد پر خویش در آن دید

گفتا ز که نالیم که از ماست که برماست

لطماتی برادران صوفی و عارف از سایر برادران شیعه کشیدند که در ادوار تاریخی کم‌نظیر است؛ از امام حسین علیه السلام هم شرم نکردند و نام‌های متبرک و آیات قرآن و احادیث را در حسینیه‌های قم و بروجرد و اصفهان تخریب و پایمال کردند و بسیاری کارمندان امین و زحمتکش را اخراج نمودند. ضرب و شتم‌ها صرفاً به اتهام دلبستگی به سلسله فقری انجام شد. به مزار متبرک سلطانی که مورد علاقه‌ی مؤمنین است، اهانت و تجاوز به مالکیت‌های آن شد. ما را بایکوت خبری کردند ولی با توجه به اینکه در راه تحقق یک حکومت عادلانه و مبتنی بر اسلام علوی کوشیدیم، جایز نمی‌دیدیم که بر دفاع خود لباس خشونت بپوشانیم. تجاهل‌العارف نموده و به تصور اینکه مقامات مسئول خبر ندارند، خواستیم تظلمات خود را مستقیماً و با آرامش به نمایندگان مجلس برسانیم و به صورت خودجوش، روزی به این امر اختصاص

۱. تاریخ ۶ ربیع‌الاول ۱۳۴۱ ه. ق. برابر با ۱۳۸۸/۱۲/۲ ه. ش.

داده شد که متأسفانه صدای ما را در گلو خفه کردند.

چون امیدواریم از این همه زیر و بم‌های جامعه، عبرتی جمعی و فردی حاصل شده باشد، که نگذارند «آه دل مظلوم» بُرنده را تیزتر کند، لذا ضمن یادآوری مجدد ستم‌هایی که بر ما رفت، توصیه می‌کنیم و انتظار و امید اینکه، به رفع آنها و جبران زیان‌های مادی و معنوی خطاها اقدام شود، که نشده است. دست‌های دشمن در کار است که آرامش را به هم بزند و ایجاد تفرقه کنند.

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

کمترین بندگان خدا

حاج دکتر نور علی تابنده (مجنوب‌علیشاه)

دوم اسفند ماه ۱۳۸۸ خورشیدی - ششم ربیع الاول ۱۴۳۱

یام به مناسبت عید سعید نوروز باستانی ۱۳۸۹ ه. ش.^۱

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا رَجُوعَ إِلَّا فَضْلُهُ وَلَا أُخْسَىٰ إِلَّا عَدْلُهُ وَلَا أَعْتَمِدُ إِلَّا قَوْلَهُ
وَلَا أُمْسِكُ إِلَّا بِحَبْلِهِ

يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوْلًا إِلَىٰ أَحْسَنِ الْحَالَ

سپاس و ستایش خداوند مهربانی را سزد که خاک بی جان را با
وزش نسیم بهاری حیات بخشید و دل های مؤمنین را با نسیم جانفزای
رحمت خود به نور ایمان و ولایت زنده فرمود.

حلول سال جدید و فرا رسیدن عید سعید نوروز باستانی را که
یادگار حضرت زردشت پیامبر علیه السلام و مورد تائید بزرگان و راهنمایان دین
مبین اسلام می باشد به همه ایرانیان عزیز خصوصاً فقرای محترم
سلسله جلیله نعمت اللّهی سلطان عیشاهی تبریک و تهنیت عرض
می نمایم و از درگاه حضرت حق، نعمت سلامتی و موفقیت و سعادت و
رفع همه گرفتاری ها را برای همگان خواستارم.

همانطور که یک سنت ملی و باستانی که مراسم عید نوروز است و
در طول تاریخ پیوسته بر احترام و تجلیل آن افزوده شده است و با
وجود آنکه بعضی حکام غیر ایرانی مدتی بر ملت ایران فرمانروایی

۱. تاریخ ۵ ربیع الثانی ۱۴۳۱ ه. ق. برابر با ۱۳۸۹/۱/۱ ه. ش.

نمودند ولی با همه تلاشی که داشتند، نتوانستند آن را محو و نابود کنند؛ چگونه ممکن است عرفان و تصوّف که ریشه در نهاد انسان‌ها داشته و فطرت الهی است را بتوانند از بین ببرند یا تعطیل کنند. به آنان که این سودا را در سر می‌پرورانند باید گفت:

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست

عَرَضِ خُودِ مِی‌بَرِی و زحمت ما می‌داری

اکنون که در طلّیعی سال نو می‌باشیم با زبان سَر و سِرّ ارواح پاک پیامبران الهی مخصوصاً حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی ﷺ و ائمه هدی ﷺ و همه بندگان صالح و مقرب درگاه الهی را شفیع قرار داده و از خداوند متعال عاجزانه و ملتمسانه درخواست می‌کنیم که در سال نو به همه ما همانطور که در دعای تحویل سال هم رسیده است بهترین حالات را که مورد پسند اوست عنایت فرماید و دل‌های ما را به یکدیگر مهربان و باصفا و سرزمین ما را پر نعمت و برکت و برای هموطنان ما رفاه و امنیت و قلب ما را نورانی فرماید.

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی

از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

در آغاز سال جدید نیز همچون سال‌های گذشته توجّه فقرا را به نکاتی جلب می‌نمایم که گرچه ممکن است بعضی از آنها تکراری باشد ولی به مصداق آیه شریفه **إِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ** امیدوارم

مفید باشد:

۱- وظیفه‌ی بندگی ما و لازمه عمل به عهد و پیمانی که با خدا بسته‌ایم آن است که اصل مهم جمع بین شریعت و طریقت را رعایت نموده و در عمل به احکام شرع مطهّر از دیگران ممتاز و در آداب طریقت که باطن همان شریعت است کوشا باشیم که معنی کامل سالک و فقیرالی‌الله بر ما صدق کند که علاوه بر تزکیه باطن، برای پیشرفت امور ظاهری و استجابت دعوات و رفع گرفتاری‌ها هم مؤثر است و در علم و عمل و دانستن و رفتار نمودن سستی نکنیم و در راه فقر رضای محبوب را بر میل و خواسته خود برگزیده و اطاعت را که لازمه محبت و نشانه آن است، توجّه نماییم.

۲- مطابق اصل قرآنی *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ*، تمام مؤمنین با یکدیگر برادر روحانی و فرزندان معنوی اولیای دین می‌باشند که لازمه این برادری محبت و صفا و صمیمیت و عفو و اغماض از یکدیگر است، زیرا کدورت و افسردگی فقرا از یکدیگر موجب رنجش ولیّ خدا و سلب نعمت‌های ظاهری و مانع ترقّی سالک است، لذا باید از هر عمل و گفتاری که سبب کدورت و اختلاف می‌شود حتی‌الامکان خودداری نمود مخصوصاً در شراکت و امور دنیوی طوری در اوّل محکم‌کاری شود که مسائل مادی در روابط معنوی اثر نگذارد و در

صورت افسردگی باید در رفع آن کوشید، به‌همین جهت لازم است در هر شهری عده‌ای از فقرا مخصوصاً پیش‌قدمان ایمانی بدون نام و عنوان خاصی به اصل: **فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَانِكُمْ**، عمل نموده و در اصلاح قدم بردارند و مکاتبه با بزرگان یا مراجعه به آنان نمایند.

۳- فقرا نسبت به راه و مکتب خود با ایمان راسخ: **كَانَتْهُمْ بُيَانٌ مَرْصُوصٌ** بوده و ثبات قدم و استقامت در برابر شدائد و گرفتاری‌ها و فداکاری و ایثار در راه حق را از اصحاب با وفای حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام سرمشق گرفته و در رابطه خود با یکدیگر باید **رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ** و در برابر دشمنان حق و حقیقت **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ** باشند و بدانند که سختگیری‌ها و فشارها و تهدیدات معاندین و حسد حاسدان بیشتر موجب رونق و نشر فقر و گرمی فقرا خواهد شد و خداوند به وعده و بشارت خود که فرمود: **جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا** عمل خواهد فرمود. پس همانطور که در دعای امام سجّاد علیه السلام در روز یکشنبه آمده است: از هیچ قدرتی جز بارگاه عدالت او نمی‌ترسیم و فقط به فضل الهی امید داریم و به گفتار و وعده او اعتماد داشته و به ریسمان ولایت او و اولیایش چنگ می‌زنیم، که رهایی از همه شرور و بلیات در سفینه ولایت آن بزرگواران است لذا برای دیگران قدرتی قائل نیستیم که هراسان باشیم: **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**.

۴- چون بازار تزویر و ریا و مقدّس‌نمایی به علّت ازدیاد این کالا کساد شده و از رونق افتاده است، لذا صوفیان با اخلاص و صفا و فقرای با وفا طبق عهد و پیمان الهی در تعظیم شعائر مذهبی و شفقت و خدمت به عموم بندگان خدا، حقیقت نام شریف صوفی که در این دو بیت حکیم الهی آمده است:

صادشان، صدق است و صبر است و صفا

واوشان، ورد است و وُدّ است و وفا

فاءشان، فقر است و فرد است و فناء

یاءشان، یأس است از غیر خدا

را با گفتار و رفتار صالح خود، تجلی بخشند تا هم زینت رهروان این راه بوده و هم، چون در درویشی تبلیغ و دعوت به گفتار نیست و عمل درویش بهترین مبلّغ است، در بیدار کردن فطرت‌های خفته و جذب استعداد‌های نهفته مؤثر باشند.

۵- مزار فائض الانوار سلطانی بیدخت که اکنون مرقد مطهر چهار نفر از اقطاب بزرگوار این سلسله جلیله و مطاف اهل دل است و نیز خاری است در چشم دشمنان که به مصداق این گفته حضرت عبدالمطلب **لِلْبَيْتِ رَبُّ** صاحب آن مکان مقدّس خود، حافظ آنجا خواهد بود. فقرا در سفرهای زیارتی به این مکان شریف، دستورالعملی که صادر شده و در اتاق‌های صحن مزار، نصب گردیده

است را با دقت مطالعه و اجرا نمایند و بدینوسیله در مدت تعیین شده که اقامت دارند بر رونق آنجا بیفزایند.

۶- گفتار و رفتار مشایخ و مجازین محترم و روابط آنان با یکدیگر لازم است به گونه‌ای باشد که هم عموم فقرا و بخصوص نسل جوان و تحصیل کرده بتوانند به آن استناد نموده و آن را الگو قرار دهند و هم موجب ایراد و بهانه مغرضین و بهانه‌جویان نگردد مخصوصاً در شرکت در مجامع عمومی و مجالس و معاشرت‌ها اصل اتَّقُوا مِنْ مَوَاضِعِ التُّهْمِ را در نظر داشته باشند.

۷- بیداری سحر و راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز و اقامه نماز در اول وقت و قرائت قرآن مخصوصاً با تدبّر و تفکّر در آیات آن و اشتغال به ذکر و فکر و لقمه حلال بهترین وسایل تکامل سالک و کلید اجابت دعاهاست. از این فیوضات خود را محروم نسازیم که:

دعای صبح و آه شب، کلید گنج مقصود است

بدین راه و روش می‌رو، که با دلداری پیوندی

۸- فقرا در مسائل مادی و شغلی و خانوادگی به مشایخ و مجازین مراجعه نمایند و آقایان مشایخ و مجازین هم، حتی‌الامکان از دخالت در این امور بپرهیزند و بیشتر به جنبه‌های معنوی و تربیت فقرا توجه نمایند و فقرا در این نوع کارها از نیروی تفکّر و تعقل و سپس مشورت با افراد خیرخواه که تخصص در آن شغل یا رشته داشته، بهره‌جویند

حتی در غیر ضرورت استخاره هم نمایند و اگر در این امور با مشایخ یا مجازین مطلبی را در میان گذاشته و نظری از طرف آنان ابراز شد آن را نظریه شخصی دانسته و امر و نهی تلقی نکنند که بعضاً مشکلاتی را به وجود آورده است.

۹- در دید و بازدیدها و روابط خانوادگی و معاشرت‌ها نکته مهم رعایت محرم و نامحرمی و حجاب خانم‌ها که زینت‌بخش آنان و موجب عفت فرد و جامعه است، رعایت گردد و مصافحه با نامحرم حتی با حایل هم، صحیح نیست و از مجالس مختلط آن هم با بی‌بندوباری که ناهنجاری‌های اخلاقی و مفساد زیادی دارد، خودداری شده مخصوصاً در این‌گونه موارد حیثیت فقر و سلسله را توجّه نمایند.

۱۰- چون در درویشی همه امور مخصوصاً مسائل فقری که به جمع فقرا و مجالس فقری مربوط می‌شود باید با اجازه بزرگ وقت انجام گیرد و با توجّه به اینکه ممکن است فهم و درک هر شخصی از آیات قرآنی و مطالب عرفانی با دیگری تفاوت داشته باشد که امری طبیعی و غیرقابل انکار است اما تفسیر قرآن یا توضیح مطالب عرفانی آن هم به خصوص در مجالس و مجامع فقرا بدون اجازه روا نیست و از این جهت هر سخن یا نوشته‌ای معلوم نیست مورد تأیید بوده و صحیح باشد.

۱۱- رعایت اعتدال در گفتار و رفتار و حالات که از اعتدال در فکر

و اعتقاد سرچشمه می‌گیرد از صفات پسندیده و از ویژگی‌های بزرگان دین و روش و منش حضرت سید المرسلین ﷺ و ائمه طاهربین علیهم‌السلام است. پس فقرا حتی‌الامکان آن را الگو قرار داده و از هر نوع گفتار و رفتار غلوآمیز و بروز حالات خود مخصوصاً در مجالس فقری خودداری نمایند و نمی‌توان همه حالات فقرا را جذبه دانست زیرا در بعضی موارد از آثار امراض روانی یا ضعف اعصاب است و نباید آن را نشانه کمال یا ترقی دانست و تا حال اختیار دارند باید خود را کنترل نمایند.

۱۲- فقرا که شیعیان حقیقی و ارادتمندان به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌باشند و هرچه دارند از دولت قرآن و عترت است، عقیده دارند هیچ زمانی، زمین بدون حجت الهی نخواهد بود و در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام نیز نمایندگان آن حضرت بر اساس نص سابق بر لاجق منصوب می‌گردند و این امر مهم به هیچ‌وجه انتخابی یا به نظر و سلیقه اشخاص نبوده و نیست و این بصیرت را خداوند به نماینده خود مرحمت فرموده است و وظیفه فقرا فقط تعظیم امر الهی می‌باشد. از الطاف حضرت حق و همت اولیای خدا و دعای فقرا، بحمدالله این فقیر در کمال سلامت بوده و مأمور خدمت به فقرا هستم و هنوز امر الهی در مورد تعیین جانشین نشده است لذا هرکس در این باره هرگونه ادعائی بنماید یا نوشته‌ای از طرف این فقیر ارائه دهد، کذاب و مفتری بوده و مشمول آیه وافیهِ هدایه: **فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ**

بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْرَبُوا بِهِ فَمِنَّا قَلِيلًا قَوْلُهُ لَكُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَكُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ^۱ خواهد بود و چون این مورد هم یا از سوی دوستان نادان و یا از طرح‌های دشمنان است، فقرا هوشیار بوده و باور نخواهند نمود بلکه انجام دهنده چنین عملی بیشتر رسوا و بی‌اعتبار خواهد شد:

گر بدی گفت حسودی و رفیقی رنجید

گو تو خوش باش که ما گوش به احمق نکنیم

۱۳- روش عملی و نه تنها شعاری همه فقرا در طول تاریخ صلح با همه خلق خدا و شفقت و خدمت به عموم بندگان خداست و با هیچ شخص یا گروهی سر جنگ نداشته و مجاهده آنان با نفس و شیطان و مظاهر آن است و از ایجاد فتنه و آشوب می‌پرهیزند و طبق آیه شریفه: وَلَا تُسَبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ^۲، بد گفتن به احدی مخصوصاً بزرگ هیچ قوم و دسته‌ای را جایز نمی‌دانند اما چون بر سر عهد و پیمان خود بوده و اولیای خدا و مقدسات دینی و امکانه متبرکّه را ناموس اکبر می‌دانند و دفاع از نوامیس الهی را وظیفه خود می‌شمردند و کل جامعه فقری مانند اعضای یک پیکرند لذا هر کس

۱. سوره بقره، آیه ۷۹: پس وای بر آنهايي که کتاب را خود به دست خود می‌نویسند تا سودی اندک برند، می‌گویند که از جانب خدا نازل شده. پس وای بر آنها بدانچه نوشتند و وای بر آنها از سودی که می‌برند.

۲. سوره انعام، آیه ۱۰۸: چیزهایی را که آنان به جای الله می‌خوانند دشنام مدهید که آنان نیز بی‌هیچ دانشی، از روی کینه‌توزی به الله دشنام دهند.

و هر گروهی در هر منصب و مقامی اگر به مجالس فقری، اولیای خدا، مؤمنین و مکان‌های مقدّس مانند حسینیه‌ها، توهین و تجاوز و تعدّی نماید با تمام وجود برای حفظ شعائر مذهبی، دفاع و فداکاری در راه خدا را طبق تعالیم دین مقدّس اسلام واجب می‌دانند. ضمناً چون هر شخص یا گروهی که صدای مظلومی را بشنود و به یاری او نشتابد طبق فرموده صریح پیامبر اکرم ﷺ از اسلام بهره‌ای نداشته و مسلمان نیست، افراد یا گروه‌هایی که در وقایع چند سال اخیر و ستم‌هایی که بر فقرا شده است حمایت خود را به هر نحوی اعلام نموده و عدالت‌خواهی فقرا را به مجامع قانونی رسانیده‌اند صرفنظر از اینکه چه نظریه یا روش سیاسی خاصی دارند، اقدام و حمایت آنان عملی خداپسندانه و موجب سپاسگزاری جامعه فقری می‌باشد.

۱۴- اعتقاد به وجود مقدّس حضرت امام زمان قائم آل محمد ﷺ و متوسّلین معنوی آن حضرت از ضروریات مذهب حقّه شیعه اثنی عشریه می‌باشد و فقرا هم که افتخار پیروی از اهل بیت ﷺ را دارند دست ارادت به دامان آن حضرت داشته و پیوسته متوسّل به ذیل عنایت حضرتش می‌باشند و موظّف‌اند که هر روز صلوات کبیره که سلام و درود بر چهارده معصوم ﷺ است را بخوانند و منتظر ظهور فائض النور آن حضرت‌اند اما برخلاف کسانی که همه مقدّسات را از

جمله نام و مقام امام زمان علیه السلام را وسیله رسیدن به مطامع دنیوی و مناصب چند روزه خود قرار داده و از آن استفاده ابزاری می‌نمایند و جسارت و هتاک و بی‌احترامی به آن حضرت را به جایی رسانیده‌اند که تمام بدبختی‌ها و گرفتاری‌هایی که خود عامل آن هستند را به حضرت نسبت داده و به قدری به بازی‌های سیاسی روز گرفتارند که العیاذبالله افراد یا وقایع سیاسی را مانع ظهور آن بزرگوار اعلام می‌نمایند، فقرا چون دل در محبت آن حضرت دارند بی‌لیاقتی جامعه مسلمین و گناهان را سبب غیبت آن امام همام علیه السلام می‌دانند لذا برای ظهور آن حضرت معتقدند باید با پیروی از تعلیماتش زمینه‌های ظهور حضرتش فراهم شود و هر وقت شیعیان و یارانی با وفا، دارای دل‌هایی با مهر و صفا، همچون شهدای صحرای کربلا آماده بودند خداوند اراده ظهور آن حضرت را خواهد فرمود و هرچه گرفتاری و بدی و نقص هست از قامت ناساز و بی‌اندام ماست و نه تشریف و ظهور او دشوار نیست و آن غایت آمال عارفین و غایب از انظار کوردلان و هادی سالکان در همه جا حاضر و بر اعمال ما ناظر و سرچشمه همه خیرات و منشأ تمامی برکات است که: **يُمْنُهُ رِزْقَ الْوَرَى وَ بُوْجُودِهِ تَبَسَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ** لذا اصل «دست به کار و دل با یار» را پیوسته در نظر دارند و در آغاز سال نو با یاد و توسل به آن بزرگوار و ارادتمندان خاص حضرتش، انتظار ظهورش را با دل و زبان به این دعا از درگاه الهی

مسألت می‌نمایند.

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّثْ أَقْدَامَنَا وَ اضْرُنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

التماس دعا: حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)

هفته اول فروردین ۱۳۸۹ شمسی

در پاسخ به جناب آقای حاج شمس الدین حایری (ارشاد علمی)^۱

حضور محترم برادر مکرم آقای حاج شمس الدین حایری ارشاد علمی

زید توفیقاته

با سلام، سلامتی و ازدیاد توفیقات شما را از درگاه خداوند مهربان خواستارم. در پاسخ مطالبی که نوشته بودید موارد زیر را به اطلاع فقرا برسانید:

۱- همانطور که در اعلامیه‌ی نوروزی هم یادآوری شده است آقایان مشایخ و مجازین نماز باید از هر جهت الگو و نمونه در رفتار و گفتار باشند و چون هدف از صدور اجازه‌ی نماز نظم و انسجام بیشتر مجالس فقری در شهرستان‌ها می‌باشد لذا مجازین نماز همانطور که اقطاب بزرگوار سلسله در گذشته هم تذکر داده‌اند بدون اجازه‌ی فقیر مسافرت نمایند. و فقرا هم مستقیماً از آنها تقاضای سفر نمایند.

۲- برای مجازینی که در اجازه‌ی آنها محدودیت مکانی یا زمانی تعیین شده است چون تعیین این محدودیت نیز مانند خود اجازه از اختیارات قطب وقت است لذا آقایان مجازینی که اجازه آنها محدود به شهر یا استان یا زمان خاصی (مانند مجالس فقری شب جمعه و

۱. تاریخ پنجم جمادی الاولی ۱۴۳۱ ه. ق. برابر با ۱۳۸۹/۱/۳۱ ه. ش.

دوشنبه) است در خارج از آن محدوده، اقامه‌ی جماعت ننمایند و آقایان مشایخ هم به آنها تکلیف نکنند.

۳- مجازینی که اجازه‌ی آنها محدود است در غیر منطقه اجازه داده شده مانند سایر فقرا می‌باشند.

۴- برادران عزیزی که در شهرهای اصفهان و قم به خاطر شرایط خاص طبق نظر آقایان مشایخ اقامه‌ی جماعت می‌نمایند ضمن تشکر از آنان، بدانند که اجازه‌ی آنها مخصوص همان شرایط خاص است.

۵- در استان کرمان ضمن قدردانی و تشکر از زحمات آقای حاج سید محمد رضا قاعی که مراقبت دارند، در غیاب ایشان یا به تقاضای ایشان و فقرا، فقط برادر مکرم آقای محمود دلاوری طبق اجازه‌ای که صادر شده است، حق اقامه‌ی نماز جماعت در مجالس فقری برای فقرا را دارند.

۶- **إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ؛ إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرَةِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا**^۱ بعد از واقعه‌ی جانسوز تخریب حسینیه قم به منظور آنکه مجالس فقری و اقامه نماز جماعت فقرا در قم تعطیل نشود به چند نفر از جمله آقای امیرعلی لباف شفهاً اجازه‌ای داده شده است که در قم اقامه جماعت کنند، این اجازات موقت و محدود (زمانی

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۲

۲. سوره طلاق، آیه ۳.

و مکانی) بوده، لذا با توجه به مشکلاتی که مشارالیه دارد و از نظر عوالم فقری نیز مبتدی تلقی می‌شود، فقرا بدانند و خود مشارالیه نیز از اقامه جماعت خودداری نمایند.

۷- غیر از اجازاتی که فقرا مطلع هستند و فتوکپی فرمان آنها در دسترس همه هست، فرمان و اجازه‌ی دیگری وجود ندارد.

فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ

بنده کمترین حاج نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)

پنجم جمادی‌الاولی ۱۴۳۱ برابر ۸۹/۱/۳۱

پیام در خصوص حرمت اعتیاد به مواد مخدر و توزیع و فروش آن^۱

يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ و...

اخوان گرامی بالاخص مشایخ و مأذونین عزیز سلّمهم الله

اخیراً شنیده شده است که در بعضی مناطق کسانی به اعتیاد مواد مخدر مبتلا شده یا در توزیع و فروش آن اقداماتی کرده‌اند. با داشتن امید به اینکه این خبر اصولاً صحت نداشته باشد، تذکر نکات ذیل را ضروری دانستم:

الف - همانطور که در اولین بیانیه به مناسبت رحلت حضرت آقای محبوب علیشاه طاب‌ثراه تذکر داده و بارها آن را به انحای مختلف تکرار کرده‌ام اعتیاد به مواد مخدر عقل را مخدوش و احیاناً زایل می‌سازد و موجب پیدایش توهمات می‌شود که بخصوص برای سالک مضر است و از حیث اخلاقی نیز ضعف و زبونی می‌آورد که مغایر اخلاق فردی و اجتماعی است. از حیث جسمانی نیز آثار آن کاملاً مشهود است.

عوارض سوء این عمل آن قدر بسیار است که متجاوز از یکصد سال قبل جدّ امجد و سلف فقری بزرگوارم مرحوم

۱. تاریخ ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۳۱ ه. ق. برابر با ۱۳۸۹/۳/۸ ه. ش.

حضرت سلطان‌علیشاه شهید با اینکه در مسائل شرعی دخالت نمی‌کردند، احساس خطر کردند و برای اولین بار در تفسیر بیان السَّعَادَةِ در ذیل آیه‌ی مذکور در صدر نامه، حکم به تحریم آن دادند. نتایج این بصیرت عرفانی و پیش‌بینی ایشان را در آن زمان اکنون شاهدیم که چگونه این ابتلا تبدیل به مسأله‌ی ملی و بلکه بین‌المللی شده است. پس از آن حضرت همین حکم را جانشینان ایشان تأیید و مجری داشته‌اند.

ب - اعتیاد به مواد مخدّر هم موجب فساد خود شخص معتاد و هم افساد دیگران است، لذا باید از اشاعه‌ی آن جلوگیری کنند. کسانی که خدای ناکرده اقدام به توزیع یا فروش مواد مخدّر می‌کنند گناهشان از خود معتادین بیشتر است. گناه این کار در مجالس فقری که مجالس اُنس و یاد خدا است و حرمت خاصّ خود را دارد، بیشتر نیز می‌شود. باید مراقب حضور معتادین یا عوامل پخش در مجالس فقری بود.

ج - وظیفه‌ی همه‌ی فقرا این است که کمک کنند رفع اعتیاد از معتادان شود و اسباب گسترش آن فراهم نشود که اشاعه یابد یا اصولاً گرایش به آن پیدا شود. خصوصاً آقایان مشایخ که سمت راهنمایی معنوی فقرا را بر عهده دارند موظّفند که اقدام جدّی در این باره بکنند.

د - مهم‌ترین وظیفه و اشتغال مشایخ گرامی توجّه به تربیت و رفع نواقص اخوان می‌باشد و بدین لحاظ حضور آنان در مجالس، رونق

معنوی به جلسه می‌دهد و این رونق به منزله‌ی جبران خلأ فکری است، لذا همه‌ی برادران و بالاصح مشایخ و مأذونین گرامی باید حتی‌المقدور در مجالس حاضر شوند و غیرت آنان بر اخوان و حساسیت به هنگام مشاهده‌ی نواقص، خطاها و تمردها نباید مانع حضورشان گردد.

هـ - دشمنان فقر سعی کرده و می‌کنند که ایجاد تفرقه کنند و نیز می‌کوشند مجالس ذکر خدا را - حتی اگر بتوانند به دست خود ما - تعطیل نمایند. عدم حضور و یا قهر از مجالس از طرف برادران بالاصح مشایخ، هدفی را که دشمنان دارند تسهیل می‌کند؛ به دست خود آتش به خویش نزنیم. برادران عزیز نیز باید در این موارد به هرجهت، اطاعت از مشایخ کنند و نهایتاً در موارد ضروری، محرمانه یادآوری نمایند. توفیق همه‌ی شما را در این راه از خداوند کریم خواستارم. والسلام.

فقیر حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب‌علیشاه)

۱۵ جمادی‌الثانیه ۱۴۳۱

۸ خرداد ۱۳۸۹

یادآوری یابی به زوار مزار تبرک سلطانی بیدخت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیرو اطلاعیه حضرت آقای حاج سلطانحسین تابنده رضاعلیشاه اعلی الله مقامه، با درخواست از برادران و خواهران گرامی مبنی بر قرائت و رعایت آن، یادآوری‌هایی برای اخوان و خواهران محترم که به زیارت بیدخت مشرف می‌شوند، معروض می‌دارم؛ امیدوارم به آنها توجه نمایند.

به خاطر دارم زمانی که هنوز مزار حضرت سلطانعلیشاه علیه السلام سنگ مرمر فعلی روی آن نصب نبود، هر روز حضرت صالحعلیشاه قدس سره به مزار تشریف می‌آوردند و در حکاکی سنگ نظارت می‌نمودند و می‌فرمودند: «من خادم این مزارم». اکنون که به جای یک مزار، چهار مزار قرار دارد؛ همه باید احساس کنیم خادم این مزار و خادم مریدان این مزار هستیم.

رعایت این وظیفه معنوی که باید احساس کنیم، اقتضا دارد که نکات زیر را عملی نماییم:

۱- صحن کوثر برای زوار محترم که برای زیارت تشریف می‌آورند، ساخته شده است. قصد زیارت سه روز است. و یا اگر قصد

اقامت شده باشد ده روز؛ بنابراین سعی فرمایید که بیش از سه روز در اتاق‌ها توقّف نکنید و چنانچه قصد اقامت فرموده‌اید، ده روز اقامت نمایید. موارد خاصّ دیگری که ممکن است اقتضا داشته باشد که بیشتر بمانید با اجازه خاصّ مُتصدّیان أمر می‌باشد.

۲- اثاثیه اتاق‌ها به صورت سالم تحویل شما داده می‌شود و بنابراین در استفاده از آنها دقّت و رعایت کامل بفرمایید، بطوری‌که سالم بماند و در موقع رفتن هم تمام لوازم اتاق را که به شما تحویل داده شده است به همان صورت اولیه تمیز و قابل استفاده تحویل دهید. اینکه اثاثیه نامنظم و تمیز نشده در اتاق بماند از لحاظ شما هم خوش‌نما نیست و به علاوه زحمت خُدام را هم زیاد می‌کند، آنان نخواهند توانست از همه زوّار پذیرایی کامل نمایند.

۳- بنابر فتوای حضرت سلطان‌علیشاه رحمته‌الله استعمال موادّ مخدّر (مخصوصاً برای فقرا که پیرو ایشان هستند) حرام می‌باشد و این حرّمت در همه جا و در همه زمان‌ها است، اختصاص به زمان خاص ندارد. از مُحَرّماتِ مُصرّحه شرعی در همه جا و همیشه به‌خصوص در مزار (و بلکه بیدخت) خودداری نمایید و احترام اماکن متبرّکه را حفظ کنید. اگر خدای نکرده ارتکاب به این محرّمات در مکان مطهّر و در زمان مقدّسی باشد، گناه آن بیشتر است. سعی کنید در دوران اقامت در صحن کوثر مرتکب هیچ‌گونه از اُمور حرام حتّی مکروهات نگردید

که اینجا در واقع نمونه‌ای باشد از بهشتِ محبت و بهشتِ طهارت.

۴- در شریعت مقدّس اسلام برای نماز اوّل وقت تأکید فراوان شده است به‌خصوص نماز صبح و نماز مغرب. در مزار متبرک طبق سنّت حسنه، قبل از اذان صبح نوای روحبخش مناجات و سپس اذان صبح از بلندگوی مزار طنین می‌افکند که موجب بیدار شدن و بیدار بودن است. بعد از بیدار شدن برای نماز صبح و ادای آن فریضه‌ی الهی سعی کنید نخواهید که بیداری بین‌الطلوعین موجب برکت و رحمت صوری و معنوی است و چنانچه نیاز به خواب دارید، در داخل اتاق‌ها بخوابید. در صحن و در معبر عموم زوّار، خوابیدن و به‌خصوص خواب بودن در موقع طلوع صبح، صحیح نیست. خدّام موظّفند در این‌گونه موارد به شما یادآوری کنند و از شما بخواهند که این توجّه را داشته باشید.

۵- خواهران محترمی که برای زیارت به بیدخت تشریف می‌آورند با محارم خود باشند و یا چند نفر با همدیگر اتاقی داشته باشند. به‌خصوص خواهران جوان که مسافرت آنها به تنهایی صحیح نیست.

۶- در ابتدای ورود برای مشخص بودن روز ورود و مشخص بودن نام زوّار، شناسنامه خود را به خدّام ارائه دهید که یادداشت نمایند. در همه خدمات هم، به خدّام مساعدت نمایید.

۷- کسانی که علاقه دارند افتخاراً خدمتی انجام دهند، توجّه

فرمایند که این خدمت زیر نظر و تحت هدایت خُدام رسمی مزار باشد. از پیش خود و بدون هماهنگی لازم، کاری نکنند که موجب زحمات بعدی برای خُدام باشد. دخالت در تنظیمات بُقعه و صحن‌ها با خُدام است، زُوّار به هیچ‌وجه دخالت مستقیمی در این کار ننمایند.

۸- صحن کوثر به منزله خانه زُوّار است و باید همه در آنجا آسایش داشته باشند. بنابراین دَقّت فرمایید در موقع راه رفتن و انجام هرگونه از اُمور در آنجا، مزاحم آسایش و آرامش دیگران و به‌خصوص بانوان نباشید. خواهران هم دَقّت فرمایند که در صحن کوثر رعایت کامل حجابِ اسلامی را نموده، و از این جهت صحن کوثر به منزله‌ی یک محلّ عمومی تلقّی می‌شود. داخل اتاق‌ها تعلق به زُوّار دارد که اختیار کامل خود را در آنجا دارند.

واردین و وافِیدین، زائرین و کسانی که در صحن‌ها سکونت می‌کنند، در نظافت و تمیز نگاهداشتن حُجره خود و درب ورودی بکوشند که باعث اعتراض دیگران هم واقع نشوند.

۹- اگر نکاتی به خاطرتان می‌رسد که برای اداره بهتر مزار مفید است، به صورت دوستانه و یادآوری به خُدام بفرمایید، نه به صورت آمرانه و چنانچه ضرورت فوری داشت، ممکن است آن مطالب را یادداشت کنید و به صورت کتبی اعلام دارید تا بدانها توجّه شود.

۱۰- به تذکرات و یادآوری‌های خُدام توجّه کامل بنمایید. اگر

آنها مطلبی را یادآوری و به نظر شما می‌رسانند از روی ارادت به این سلسله و حفظ حرمت مزار و علاقه‌مندی به انجام وظیفه است و از این حیث با آنها همراهی و همکاری داشته باشید.

۱۱- چون خدام مأمور خدمت و مساعدت به زوآر هستند و باید در اجرای دقیق این دستورالعمل نظارت کنند باید آنان را در این وظیفه مساعدت فرمایید و خدام مزار متبرک نیز در احترام به واردین و زوآر و حفظ حیثیات آنان بکوشند ولی اگر خلاقی مشاهده نمودند، تذکر دهند که حفظ احترام آن مکان متبرک را بنمایند و اگر واردین توجه نمایند، متصدی دفتر مزار از طرف این فقیر موظف است به آنها ابلاغ نماید که ترک رویه خلاف بنمایند و اگر مؤثر واقع نشود و باز هم مشاهده خلاف نمودند به آنها دستور دهند که زودتر مزار و صحن را ترک نمایند.

با التماس دعا از همه زوآر محترم

بنده‌ی کمترین؛ حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب علیشاه)

فهرست جزوات قبل

شماره جزوه	عنوان	قیمت (تومان)
اول	گفتارهای عرفانی (قسمت اول)	۱۰۰۰
دوم	گفتارهای عرفانی (قسمت دوم)	۱۰۰۰
سوم	گفتارهای عرفانی (قسمت سوم)	۱۰۰۰
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت اول)	۵۰۰
چهارم	گفت و گوهای عرفانی (متن ۶ مصاحبه)	۵۰۰
پنجم	مکاتیب عرفانی (قسمت اول ۷۶-۱۳۷۵)	۵۰۰
ششم	استخاره (همراه با سی‌دی صوتی)	۵۰۰
هفتم	مقدمه روز جهانی درویش	۵۰۰
-	هدیه نوروزی: فهرست موضوعی جزوات (همراه با تقویم ۱۳۸۸)	-
هشتم	مکاتیب عرفانی (قسمت دوم ۷۹-۱۳۷۷)	۵۰۰
نهم	گفتارهای عرفانی (قسمت چهارم)	۵۰۰
دهم	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجم)	۵۰۰
یازدهم	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم)	۵۰۰
دوازدهم	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتم)	۵۰۰
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوم)	۲۰۰
سیزدهم	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت اول)	۲۰۰
چهاردهم	حقوق مالی و عشریه (قسمت اول)	۲۰۰
پانزدهم	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتم)	۲۰۰
شانزدهم	مکاتیب عرفانی (قسمت سوم ۱۳۸۰)	۲۰۰
هفدهم	گفتارهای عرفانی (قسمت نهم)	۲۰۰
هیجدهم	گفتارهای عرفانی (قسمت دهم)	۲۰۰
نوزدهم	گفتارهای عرفانی (قسمت یازدهم)	۲۰۰
بیستم	گفتارهای عرفانی (قسمت دوازدهم)	۲۰۰
بیست و یکم	گفتارهای عرفانی (قسمت سیزدهم)	۲۰۰
بیست و دوم	شرح و تفسیر قرآن کریم (قسمت اول)	۲۰۰
بیست و سوم	تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (قسمت اول)	۲۰۰

۲۰۰	شرح رساله حقوق حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (قسمت اول)	بیست و چهارم
۲۰۰	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سوم)	-
۲۰۰	مکاتیب عرفانی (قسمت چهارم ۸۱-۱۳۸۰)	بیست و پنجم
۲۰۰	گفتارهای عرفانی (قسمت چهاردهم)	بیست و هشتم
۲۰۰	گفتارهای عرفانی (قسمت پانزدهم)	بیست و هفتم
۲۰۰	گفتارهای عرفانی (قسمت شانزدهم)	بیست و هشتم
۲۰۰	گفتارهای عرفانی (قسمت هفدهم)	بیست و نهم
۲۰۰	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهارم)	-
۲۰۰	گفتارهای عرفانی (قسمت هیجدهم)	سی ام
۲۰۰	گفتارهای عرفانی (قسمت نوزدهم)	سی و یکم
۲۰۰	گفتارهای عرفانی (قسمت بیستم)	سی و دوم
۲۰۰	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و یکم)	سی و سوم
۲۰۰	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پنجم)	-
-	هدیه نوروزی: فهرست موضوعی جزوات (همراه با تقویم ۱۳۸۹)	-
۲۰۰	نقشه راهنمای موقعیت مزار سلطانی بیدخت در کشور ایران	-
۲۰۰	مکاتیب عرفانی (قسمت پنجم ۸۳-۱۳۸۲)	سی و چهارم
۲۰۰	مکاتیب عرفانی (قسمت ششم ۱۳۸۴)	سی و پنجم
۲۰۰	تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (قسمت دوم)	سی و ششم
۲۰۰	شرح رساله حقوق حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (قسمت دوم)	سی و هفتم
۲۰۰	مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها (قسمت اول)	سی و هشتم
۲۰۰	مکاتیب عرفانی (قسمت هفتم ۸۷-۱۳۸۴)	سی و نهم
۲۰۰	شرح رساله حقوق حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (قسمت سوم)	چهارم
۲۰۰	شرح رساله حقوق حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (قسمت چهارم)	چهل و یکم
۲۰۰	شرح و تفسیر قرآن کریم (قسمت دوم)	چهل و دوم

با توجه به آنکه تهیه‌ی این جزوات، مستقل از هر سازمان یا مؤسسه‌ی خیریه و یا انتشاراتی صورت می‌گیرد، خواهشمند است جهت سفارش جزوات، فقط با شماره‌ی تلفن ۸۲۴۲ ۵۸۳ ۰۹۱۲ تماس بگیرید.

بدینوسیله از همه افرادی که در تکثیر این جزوه توفیق خدمت مالی داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود.